

Defective Arbitration Clauses: The Approach of National Courts and Interpretation of Arbitration Clauses in Arbitration Center of Iran Chamber

Ali Moghaddam Abrishami * 

Associate Professor at the Faculty of Law
and Political Science, Allameh Tabatabai
University, Tehran, Iran

Fereshteh Sheikhvand 

PhD student in private law at Faculty of
Law and Political Science, Azad
University, Karaj, Iran

Abstract

More than fifty years after Frédéric Eisemann's influential article, the issue of the pathological arbitration clauses still exists. Defects in an arbitration clause may occur in various instances. The task of national courts and arbitral tribunals is to determine whether a defective clause is curable or incurable. There are great arguments and controversies as to terminology, categorization and interpretation of defective arbitration clauses. Despite numerous judgments made by different courts in various jurisdictions, ambiguities and conflicting interpretations can still be observed, not only among jurisdictions, but also within a jurisdiction. The ways in which national courts and

* Corresponding Author: a.abrshami@atu.ac.ir

How to Cite: Moghaddam Abrishami, A. and Sheikhvand, F. (2026). Defective Arbitration Clauses: The Approach of National Courts and Interpretation of Arbitration Clauses in Arbitration Center of Iran Chamber. *Private Law Research*, 14 (53), 1 - 52. doi: [10.22054/jplr.2025.88084.2956](https://doi.org/10.22054/jplr.2025.88084.2956)

arbitral tribunals interpret the common intention of the parties depend, to a large extent, on how the clash between policy and principle is considered. The invalidity of the arbitration agreement is a ground for setting aside the arbitral award or refusing enforcement. It also affects the jurisdiction of the arbitral tribunal in both ad hoc and institutional arbitration. Although arbitral institutions provide model clauses in order to assist the parties in drafting arbitration clauses, deviation from model clauses can largely be seen. This article discusses defective arbitration clauses by exploring the approach of national courts and by interpreting arbitration clauses referring to Arbitration Center of Iran Chamber (ACIC). It concludes that the concept of a pathologically defective clause remains alive in both pro-arbitration and arbitration-unfriendly jurisdictions, and it proposes solutions in order for the ACIC to address the problem.

Keywords: Arbitral Institution, Arbitration, Arbitration Center of Iran Chamber (ACIC), Arbitration Clause, Institutional Arbitration, Pathological and Defective Clause.



شروط داوری معیوب: تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی و تفسیر شروط داوری مرکز داوری اتاق ایران

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

علی مقدم ابریشمی *

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه

فرشته شیخوند

آزاد، واحد کرج، ایران

چکیده

بیش از پنجاه سال پس از مقاله تأثیرگذار Frederic Eisemann، شروط داوری معیوب همچنان یکی از موضوعات چالش برانگیز در حوزه داوری است. در مقام تفسیر این شروط و احراز اعتبار یا عدم اعتبار آنها، دادگاه‌های کشورهای مختلف و حتی دادگاه‌های یک کشور رویکردهای متفاوت اتخاذ کرده اند. معیارها و روش‌هایی که دادگاه‌ها و دیوان‌های داوری در تفسیر قصد مشترک طرفین به کار می‌گیرند تا حدود زیادی بستگی به دیدگاه‌های این مراجع نسبت به تعارض و تقابل میان اصول از یک سو و سیاست حمایت‌گرانه از داوری از سوی دیگر دارد. عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری می‌تواند منجر به عدم صلاحیت مرجع داوری، ابطال رأی داوری و مانع از اجرای آن شود. در داوری سازمانی، علی‌رغم وجود شرط نمونه داوری، طرفین قرارداد غالباً از شرط نمونه استفاده نمی‌کنند و سازمان‌های داوری با شروط داوری معیوب متعددی مواجه می‌گردند. این مقاله با استفاده از رویکردها و آرای دادگاه‌ها، به ویژه در کشورهای پیشرو در داوری، به تقسیم‌بندی و تفسیر برخی از شروط داوری در اختلافات ارجاع شده به مرکز داوری اتاق ایران می‌پردازد و نیز علل پیدایش این شروط را بررسی و سپس پیشنهادهایی در جهت اصلاح ارائه می‌نماید. نظر Frederic Eisemann، درباره شروط داوری معیوب همچنان مصداق دارد و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این مشکل، خطر جدی برای توسعه و کارآمدی نهاد داوری به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: داوری، داوری سازمانی، شرط داوری، شرط معیوب و ناقص، مرکز داوری اتاق ایران، نهاد داوری.

مقدمه

اصطلاح “Pathological” در مورد شروط داوری، برای نخستین بار از سوی دبیرکل وقت مرکز داوری ICC، Frederic Eisemann، حدود ۵۰ سال پیش مطرح گردید.^۱ طی این سال‌ها، مفهوم این اصطلاح، به علت تفسیرهای متفاوت و بعضاً موسع از این شروط دچار تغییر و تحول شده است. از نظر Eisemann شروط داوری “Pathological”، “شروطی هستند که به دلیل نحوه نگارش آنها، نمی‌توانند کارکرد اساسی خود را ایفاء نمایند” و منجر به بی اعتباری موافقت‌نامه داوری می‌شوند.^۲ گروه دیگری از نویسندگان که به طرفداران داوری معروف هستند، اساساً شروط “Pathological” را اصطلاحی متروک و به تاریخ پیوسته می‌دانند که باید از آن عبور کرد.^۳ Gary Born معتقد است که اصطلاح Imperfect باید جایگزین و مورد استفاده قرار بگیرد.^۴

در مقاله حاضر، از اصطلاح شروط معیوب (Defective) استفاده می‌نمایم و بر اساس درجه معیوب بودن، شروط داوری را به دو دسته شروط داوری معیوب غیر قابل ترمیم و معیوب قابل ترمیم تقسیم می‌کنیم. شروط غیرقابل ترمیم از درجه‌ای از معیوب بودن و بیماری رنج می‌برند که قلب توافق طرفین و اعتبار موافقت‌نامه را هدف قرار داده و از نظر Eisemann، “Pathological” نامیده می‌شوند. از طرف دیگر، درجه عیب و نقص در

1 F. Eisemann, La Clause d'arbitrage pathologique, in *Commercial Arbitration: Essays in Memoriam Eugenio Minoli*, 1974.

2 According to Eisemann, four essential functions of an arbitration clause: “1- to produce mandatory consequences for the parties; 2- to exclude the intervention of State courts in the settlement of the disputes, at least before the issuance of the award; 3- to give powers to the arbitrators to resolve the disputes likely to arise between the parties; and 4- to implement a procedure which fosters the best conditions of efficiency and rapidity to the rendering of an award that is susceptible to judicial enforcement.”

3 G. Born, “Rethinking Pathological Arbitration Clauses: Validating Imperfect Arbitration Agreements”, in S. Tung, F. Fortese, C. Baltag (eds.), *Finances in International Arbitration*, Wolters Kluwer, The Netherlands, 2020, p.37. “Concept and vocabulary of ‘pathological arbitration clauses’ is archaic and ought to be abandoned. It is incorrect to regard badly drafted arbitration agreements as pathologically defective”.

4 Ibid, 55. “It is this vocabulary [imperfection], not pathological ones, that should be used in the future”.

شروط قابل ترمیم منجر به بیماری شرط و بی اعتباری موافقت‌نامه داوری نمی‌گردد و از نظر Imperfect، Born نامیده می‌شود.^۵

علی‌رغم گذشت بیش از نیم قرن، شروط داوری معیوب، که از آن به‌عنوان Dark Museum of Arbitration نام برده شده است،^۶ همچنان موضوعی چالشی و مبتلابه است. احراز اعتبار یا عدم اعتبار این شروط به دلیل تأثیر مستقیمی که بر موضوع صلاحیت مرجع داوری، ابطال و اجرای آرای داوری دارد، بر اهمیت بررسی این موضوع می‌افزاید. دادگاه‌های ملی در کشورهای مختلف، تفسیرهای متعدد و متفاوت ارائه کرده‌اند و این موضوع همچنان محل نزاع میان دیوان‌های داوری، دادگاه‌ها و نویسندگان است.

از زمان آغاز عصر سازمانی شدن داوری تجاری در دهه ۱۹۲۰، سازمان‌های داوری بسیاری تأسیس گردیدند. با هدف جلوگیری از نگارش و درج شروط معیوب در قراردادهای این سازمان‌ها مبادرت به ارائه شرط داوری نمونه کرده‌اند تا طرفین قرارداد بتوانند عیناً آن را در قرارداد درج کرده و یا از آن به‌عنوان الگو برای تنظیم شرط داوری استفاده نمایند. اما طرفین در بسیاری از قراردادهای بدون توجه به این شروط یا اعمال تغییرات مبهم بر آنها باعث گردیدند شرط داوری درج شده در قرارداد در زمره شروط معیوب قرار بگیرد و صلاحیت داوری و یا سازمان داوری مربوطه با ابهام مواجه گردد.

مرکز داوری اتاق ایران نیز، علی‌رغم ارائه شرط داوری نمونه، شاهد شروط داوری معیوب در بسیاری از اختلافات ارجاع شده به این مرکز بوده است. وجود و یا افزایش شروط معیوب منجر به تضعیف نهاد داوری گردیده و مانعی جدی برای توسعه داوری سازمانی در کلیه کشورها از جمله ایران است. بنابراین، ضروری است که به این مشکل اساسی در حوزه داوری به‌طور کلی و داوری سازمانی به‌طور خاص پرداخته شود. از

5 G. Born, "Rethinking Pathological Arbitration Clauses: Validating Imperfect Arbitration Agreements", in S. Tung, F. Fortese, C. Baltag (eds.), *Finances in International Arbitration*, Wolters Kluwer, The Netherlands, 2020. M.L. Moses, *Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, 3th ed., Cambridge University Press, 2017, p.46 (Many kinds of defects can render a clause pathological).

6 F. Eisemann La Clause d'arbitrage pathologique, in *Commercial Arbitration: Essays in Memoriam Eugenio Minoli*, 1974, 129. B.G., Davis, *Pathological Clauses: Frédéric Eisemann's Still Vital Criteria*, *Arbitration International* 7, 4(1991).

این رو، این مقاله ابتدا با تمرکز بر منابع اولیه به بررسی و تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی در تفسیر شروط داوری معیوب می‌پردازد، با این هدف که وضعیت این شروط را در دنیای داوری و تأثیر آن‌ها بر اعتبار موافقت‌نامه‌های داوری را تبیین نماید. در ادامه، به تقسیم‌بندی و تفسیر شروط داوری در مرکز داوری اتاق ایران با توجه به مشاهدات و تجربیات نویسندگان این مقاله می‌پردازد،^۷ با این هدف که با استفاده از رویه و رویکرد دادگاه‌های ملی و نظرات حقوق‌دانان برجسته در حوزه داوری، آسیب‌شناسی کرده و پیشنهادهایی به منظور کاهش تعداد شروط معیوب در اختلافاتی که به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع می‌شود، ارائه دهد.

۱- رویکرد دادگاه‌ها در تفسیر شروط داوری معیوب

اعتبار یا عدم اعتبار شروط داوری معیوب در قراردادها در زمان اجرای موافقت‌نامه داوری و نیز در مرحله درخواست ابطال و اجرای آرای داوری از سوی دادگاه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شروط داوری معیوب که هم در داوری موردی و هم داوری سازمانی بسیار مرسوم است، در آرای دادگاه‌ها مورد تفسیرهای متفاوت قرار گرفته‌اند. سه مورد از چالش برانگیزترین و مرسوم‌ترین مصادیق این شروط که در این بخش از مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند عبارتند از:

۱) شروط داوری که به سازمان یا مرجعی ارجاع می‌دهند که آن سازمان یا مرجع در زمان توافق طرفین یا بروز اختلاف وجود ندارد؛

۲) شروط داوری که به قواعد داوری (نه سازمان داوری) ارجاع می‌دهند؛

۳) شروطی که به دادگاه و داوری به‌طور هم‌زمان ارجاع می‌دهند.

^۷ شروط داوری مطروحه در این بخش شروطی است که نویسندگان این مقاله در زمان حضور در مرکز داوری اتاق ایران ملاحظه کرده‌اند. لازم به ذکر است، تقسیم‌بندی، تفسیر، پیشنهادات و نظرات در این خصوص صرفاً نظر شخصی نویسندگان این مقاله بوده و متضمن نظرات مرکز داوری اتاق ایران و ارکان آن در زمان گذشته و در زمان حال نیست.

۱-۱-۱- عدم وجود سازمان داوری یا مرجع منتخب طرفین در زمان توافق یا اختلاف

یکی از مصادیق مرسوم شروط داوری معیوب، شروطی هستند که سازمان یا مرجع مورد توافق طرفین در شرط داوری یا اساساً در زمان توافق وجود نداشته و یا سازمان داوری، زمان بروز اختلاف منحل شده است. اعتبار و یا عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری بستگی به این موضوع دارد که آیا این شروط معیوب قابل ترمیم یا غیر قابل ترمیم می‌باشند. به‌طور کلی چهار دیدگاه می‌تواند در پاسخ به این پرسش مطرح شود. گروه نخست، شرط داوری را غیر قابل ترمیم و اساساً باطل می‌دانند.^۸ گروه دوم، با ملاک قرار دادن عنصر اشتباه، اراده طرفین را تفسیر کرده‌اند. گروه سوم، اعتبار یا عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری را منوط به بررسی این موضوع می‌دانند که آیا سازمان جانشین برای سازمان منحل شده در زمان بروز اختلاف وجود دارد یا خیر؟ گروه چهارم، با تفسیر اراده طرفین و شرط داوری تلاش کرده‌اند، داوری (و نه سازمان داوری) را به‌عنوان روش حل و فصل اختلاف در نظر گرفته و این نوع شروط داوری را در زمره شروط معیوب قابل ترمیم و یا به اصطلاح شروط ناقص قرار دهند. در این قسمت از مقاله به بررسی و تحلیل این چهار رویکرد می‌پردازیم.

۱-۱-۱- شروط داوری غیر قابل ترمیم و عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری

پرونده^۹ *Heirs to the Sultanate of Sulu v. Malaysia*، که اخیراً در دادگاه تجدیدنظر پاریس و دیوان عالی فرانسه مطرح گردید، یکی از مهم‌ترین پرونده‌ها در حوزه داوری و در رابطه با تفسیر موافقت‌نامه داوری است. این پرونده حداقل به سه علت از اهمیت خاص برخوردار است. اول، این پرونده به موضوع تعارض میان قواعد تفسیر قراردادهای و کنوانسیون نیویورک می‌پردازد. دوم، این پرونده به نظر نویسندگان این مقاله، برای اعمال سیاست حمایت‌گرانه از داوری^{۱۰} محدودیت لحاظ می‌نماید. سوم، این پرونده

^۸ بر اساس دیدگاه Eisemann، این مورد از مصادیق بارز شروط Pathological و باطل می‌باشد.

9 Cour de Cassation, First Civil Chamber, 6 November 2024.

10 Pro Arbitration Policy.

در یکی از با سابقه‌ترین و مطرح‌ترین مقرهای داوری بین‌المللی، پاریس، و در دادگاه فرانسه که از مدافعان اصلی داوری بین‌المللی است، مورد رسیدگی قرار گرفته است. در قرارداد سال ۱۸۷۸، طرفین قرارداد در شرط داوری مقرر می‌دارند:

"هر اختلاف ناشی از این قرارداد از طریق داوری توسط کنسول پادشاهی بریتانیا در برونی حل و فصل خواهد شد."^{۱۱}

دولت مالزی تا سال ۲۰۱۳ تعهد خود نسبت به پرداخت سالیانه به وراث را ادامه و سپس متوقف کرد. خواهان قصد طرح دعوی را داشته اما در زمان بروز اختلاف، کنسول بریتانیا در برونی منحل گردیده بود و وزارت خارجه بریتانیا درخواست خواهان برای نصب داور را نپذیرفت. متعاقباً، خواهان از دادگاه اسپانیا درخواست نصب داور کرد که مورد پذیرش دادگاه قرار گرفت و در نهایت داور مبادرت به صدور رأی نمود. خواهان از دادگاه پاریس درخواست اجرای رأی را داشت اما دادگاه تجدیدنظر پاریس و دیوان عالی فرانسه اجرای رأی را به دلیل عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری نپذیرفتند. دادگاه در بررسی اعتبار یا عدم اعتبار شرط داوری یک نکته اساسی را بیان می‌دارد: "ضروری است که پیش از پاسخ به این سؤال که آیا دیوان داوری به درستی تشکیل شده است، این موضوع بررسی شود که آیا طرفین قرارداد قصد ارجاع به داوری را داشته‌اند و تحت چه شرایطی."^{۱۲}

از این بیان دادگاه فرانسه می‌توان استنباط کرد که صرف اراده طرفین قرارداد در ارجاع اختلاف به داوری شرط لازم است و نه شرط کافی. به عبارت دیگر، شخص یا مرجعی که طرفین در قرارداد به آن ارجاع می‌دهند بخشی از عنصر اساسی قصد مشترک طرفین است.^{۱۳} از این رو، دادگاه تجدیدنظر به درستی در ادامه اظهار می‌دارد "انتخاب کنسول بریتانیا در برونی برای رسیدگی به اختلافات، عامل تعیین کننده در اراده طرفین برای

11 "Any disputes arising from this Agreement shall be settled by arbitration conducted by the Consul General of the British Crown in Brunei."

12 "Since the arbitrator's jurisdiction is the source of arbitrator's jurisdictional power, it is necessary, before examining whether the arbitral tribunal was properly constituted, to determine whether the parties intended to have recourse to arbitration and under what conditions."

13 Essential element of the parties' consent.

ارجاع به داوری است.^{۱۴} و در نهایت با استناد به قصد مشترک طرفین، شرط داوری را فاقد اعتبار دانسته و چنین اظهار می‌دارد:

“[A]n international arbitration agreement, the existence and effectiveness of which are determined by the common will of the parties, shall be interpreted in accordance with the principles of good faith and utility, without reference to the law of any State.”

برخی از نویسندگان در نقد رأی پرونده *Sulu*، رویکرد دادگاه فرانسه را به منزله نقض کنوانسیون نیویورک دانسته؛ به نقض مواد ۵(۱)، ۲ و ۷ به‌طور خاص اشاره می‌کنند و این رأی را موجب تضعیف کنوانسیون نیویورک و جایگاه پاریس در داوری تجاری بین‌المللی می‌دانند.^{۱۵} در نقد خود، چهار استدلال مطرح می‌کنند: اول، عدم ارجاع به قانون فرانسه به‌عنوان قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری نقض ماده ۵(۱) کنوانسیون نیویورک است.^{۱۶} دوم، نادیده انگاشتن ماده ۷ کنوانسیون و عدم ارجاع به قانون مطلوب‌تر (قانون فرانسه) در جهت تسهیل اجرای رأی برخلاف رویکرد دادگاه‌های فرانسه است که همواره بر اجرای رأی داوری تأکید داشته‌اند. سوم، رأی دادگاه فرانسه برخلاف ماده ۲ کنوانسیون است که تأکید بر اجرای موافقت‌نامه داوری از سوی دولت‌های عضو دارد. چهارم، قصد اولیه طرفین ارجاع به داوری است و مرجع یا فرد تعیین شده قصد ثانویه است.^{۱۷}

به نظر نویسندگان این مقاله، رأی دادگاه تجدیدنظر پاریس و تأیید آن از سوی دیوان عالی فرانسه به دلایل ذیل قابل دفاع است: اول، رأی دادگاه فرانسه منطبق با قواعد تفسیر قراردادهای بوده و مرجع بودن قصد مشترک طرفین که از عناصر اساسی انعقاد قراردادهای

14 “the choice of the British Consul General posted in Brunei to hear any dispute was a decisive factor in the parties' willingness to have recourse to arbitration”.

15 K. Wagner, French Courts and Arbitration Validity: Simplicity or Legal Uncertainty? *Journal of International Arbitration* 42, 4 (2025): 519–532.

۱۶ موضوع معیار تعیین قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری محل نزاع می‌باشد. برخی از نظام‌های حقوقی مانند فرانسه، قانون حاکم بر قرارداد را قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری می‌داند. قانون داوری ۲۰۲۵ انگلستان با هدف رفع اختلاف و ابهام، قانون مقر داوری را قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری می‌داند.

17 K. Wagner, French Courts and Arbitration Validity: Simplicity or Legal Uncertainty? *Journal of International Arbitration* 42, 4 (2025): 523-527

است با *lex contractus* (قانون فرانسه) انطباق دارد و نظام حقوقی فرانسه از نظر تاریخی خود ایجادکننده این دکترین بوده است.^{۱۸} از این رو، پس از احراز قصد مشترک طرفین، دادگاه نیازی به ارجاع به قانون حاکم بر موافقتنامه داوری نداشته و حتی در صورت ارجاع نیز تعارضی با قانون ماهوی حاکم بر موافقتنامه داوری در حوزه قراردادهای ایجاد نمی‌گردید. دوم، دادگاه فرانسه بر اساس اصل حسن‌نیت، قصد مشترک طرفین را احراز کرده است و تفسیر شرط داوری باید بر اساس قواعد تفسیر قرارداد انجام گردد. از این رو، عدم ارجاع به *lex fori arbitri* به معنای نقض کنوانسیون نیویورک نیست. سوم، ماده ۷ کنوانسیون نمی‌تواند به عنوان توجیهی برای نادیده انگاشتن قصد مشترک طرفین باشد و چنین تفسیری از کنوانسیون نیویورک بر خلاف ماده ۲ این کنوانسیون است که همواره و صریحاً بر نقش رضایت طرفین در داوری تأکید می‌نماید. افزون بر این، صرف استناد به بخش نخست ماده ۲ بدون در نظر گرفتن ادامه این ماده صحیح به نظر نمی‌رسد. بر اساس ماده ۲، دولت‌های عضو باید موافقتنامه داوری را اجرا نمایند مگر آنکه موافقتنامه داوری باطل باشد. بنابراین، عدم احراز اعتبار موافقتنامه داوری در پرونده *Sulu*، مانع از اجرای آن می‌شود. چهارم، احراز قصد مشترک طرفین باید بر اساس هدف غالب و اصلی^{۱۹} و یا به عبارت دیگر بر مبنای عنصر اساسی توافق طرفین صورت پذیرد. در مواردی مانند پرونده *Sulu* که طرفین، داوری را صرفاً به علت مرجع آن (کنسول بریتانیا در برونتی) انتخاب کرده‌اند و این انتخاب "عنصر اساسی توافق" است، تقسیم‌بندی عنصر توافق به دو بخش توافق اولیه و توافق ثانویه قابل توجیه نیست.

شعبه‌های مختلف دادگاه‌های آمریکا نیز با تأکید بر ضرورت "احراز عنصر اساسی توافق"، شروطی را که در آن سازمان منتخب طرفین اساساً وجود ندارد، شروط معیوب غیر قابل ترمیم در نظر گرفته‌اند. در پرونده *Inetianbor v. CashCall, Inc.*^{۲۰} شعبه

۱۸ برای بررسی اصول تفسیر قراردادهای نظام کامن‌لا، رجوع کنید به:

R. Calnan, *Principles of Contractual Interpretation*, Oxford, Oxford University Press, 2013.

19 Dominant purpose

20 768 F.3d 1346 (11th Cir. 2014)

یازدهم با استناد به پرونده *Brown v. ITT Consumer Financial Corporation*²¹ معیار احراز یا عدم احراز اعتبار موافقت‌نامه داوری را عنصر اساسی توافق طرفین دانست. در این پرونده، شرط داوری به مرجعی تحت عنوان Cheyenne River Sioux Tribe ارجاع داده بود. شعبه یازدهم اظهار داشت که طرفین صریحاً این مرکز را به عنوان مرجع داوری برای حل و فصل اختلافات تعیین کردند. دادگاه بر خلاف پرونده *Brown*، به دو دلیل موافقت‌نامه داوری در پرونده *Inetianbor* را غیرقابل اجرا دانست. اول، انتخاب مرکز نامبرده بخشی از عنصر اساسی توافق طرفین بوده است. دوم، مرکز منتخب طرفین برای حل و فصل اختلافات وجود نداشته است.

در پرونده *Parm v. National Bank of California, N.A.*²² طرفین قرارداد به مرجعی ارجاع می‌دهند که وجود نداشته است.²³ با تبعیت از پرونده *Inetianbor*، شعبه یازدهم بیان می‌دارد که طرفین قرارداد اختلافات را به مرجعی ارجاع داده‌اند که وجود نداشته و انتخاب این مرجع عنصر اساسی توافق بوده است. از این رو، شرط داوری قابلیت اجرا ندارد. همچنین، در این پرونده، طرفین گزینه ارجاع به داوری AAA یا JAMS را پیش‌بینی کرده بودند، اما دادگاه این گزینه را صرفاً به عنوان مقام ناصب در نظر گرفت و از این رو، به علت عدم وجود مرجع منتخب طرفین، موافقت‌نامه داوری را فاقد اعتبار و غیرقابل اجرا دانست.

21 211 F.3d 1217 (11th Cir. 2000)

شرط داوری چنین مقرر می‌داشت: داوری تحت "Code of Procedure of the National Arbitration Forum" انجام می‌گردد. این قواعد در زمان بروز اختلاف وجود نداشت. شعبه یازدهم، با تفسیر قصد طرفین اظهار داشت که ارجاع به قواعد مذکور در موافقت‌نامه بخشی از عنصر اساسی توافق طرفین نبوده است. عنصر اساسی در توافق طرفین ارجاع به داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف است. بر این اساس، داوری موردی و نصب داور می‌تواند طبق قانون داوری فدرال آمریکا انجام پذیرد.

22 835 F.3d 1331, 1332 (11th Cir. 2016).

23 "Any dispute, ..., will be resolved by Arbitration, which shall be conducted by the Cheyenne River Sioux Tribal Nation by an authorized representative in accordance with its consumer dispute rules and the terms of this Agreement."

در پرونده ²⁴ *National Material Trading v. M/V Kaptan Cebi* شرط داوری درج شده در قرارداد به “Court of Arbitration at the Chamber of Commerce and Industry of Switzerland” ارجاع داده بود که این سازمان اساساً وجود نداشت. دادگاه شرط داوری را باطل دانست و اظهار داشت که دادگاه نمی‌تواند شرط داوری را بازنویسی کند. در این پرونده، برخلاف برخی پرونده‌های دیگر که بخش سازمان داوری ناموجود در شرط را از مابقی شرط تفکیک و حذف شده تلقی می‌کرد،²⁵ شرط داوری را قابل تفکیک ندانسته و کل شرط را باطل در نظر گرفت.

دادگاه سنگاپور نیز در پرونده ²⁶ *TMT Co Ltd v. Royal Bank of Scotland*، برخلاف رویه سابق²⁷، ارجاع اختلاف را به سازمانی که اساساً وجود ندارد، موجب بی اعتباری شرط داوری می‌داند. در شرط داوری ذکر گردیده بود که اختلافات به “Relevant Exchange” ارجاع داده خواهد شد علی‌رغم اینکه اساساً چنین سازمانی وجود نداشت.²⁸ برخلاف نظر برخی از حقوق دانان که این رویکرد دادگاه سنگاپور را قابل نقد و برخلاف کنوانسیون نیویورک می‌داند²⁹، دادگاه با استناد به معیارهای ذکر شده از سوی دادگاه تجدیدنظر در پرونده ³⁰ *Tomolugen*، این رأی را منطبق با ماده ۲ کنوانسیون نیویورک دانسته که صریحاً بیان می‌دارد موافقت‌نامه داوری در صورتی لازم الاجرا است که باطل نباشد.

24 No. C.A. 2:95-3673-23, 1997 WL 915000 (D.S.C. Mar. 13, 1997).

25 *Control Screening LLC v. Tech. Application & Prod. Co* 687 F.3d 163, 166 (3d Cir. 2012).

26 [2017] SGHC 21.

27 *HKL Group Co Ltd v. Rizq International Holdings Pte Ltd* [2013], *Insignia Technology Co Ltd v. Alstom Technology Ltd* [2009].

28 “Any dispute arising from or relating to these terms or any Contract made hereunder shall, unless resolved between us, be referred to arbitration under the arbitration rules of the relevant exchange or any other organisation as the relevant exchange may direct and both parties agree to....”

29 G. Born, “Rethinking Pathological Arbitration Clauses: Validating Imperfect Arbitration Agreements”, in S. Tung, F. Fortese, C. Baltag (eds.), *Finances in International Arbitration*, Wolters Kluwer, The Netherlands, 2020, 46.

30 *Tomolugen Holdings Ltd and another v. Silica Investors Ltd and other appeals* [2016] 1 SLR 373.

در این پرونده، دادگاه سه معیار تعیین می‌کند که معیار سوم بر اساس ماده ۲ کنوانسیون نیویورک است.

در پرونده *Shanghai Iwasaki Electric Co. Ltd v. Weixin Enterprise Engineering Co. Ltd*³¹، طرفین قرارداد توافق کردند که اختلافات خود را به “Qingdao Economic and Trade Arbitration Commission” ارجاع دهند که اساساً چنین سازمان داوری در Qingdao وجود نداشت. دیوان عالی چین به علت عدم وجود سازمان داوری، رسیدگی به اختلاف را در صلاحیت دادگاه دانست. مشابه این رویکرد دیوان عالی در برخی پرونده‌های دیگر در چین مشاهده می‌گردد.³²

دادگاه‌های برخی دیگر از کشورها نیز این دسته از شروط داوری را شروط معیوب غیرقابل ترمیم می‌دانند. دادگاه کشورهای ونزوئلا³³، ترکیه³⁴ و کره جنوبی³⁵، ارجاع شرط داوری به سازمانی که اساساً وجود ندارد را از مصادیق شروط معیوب غیر قابل ترمیم در نظر گرفته است، اگرچه در ترکیه و کره جنوبی شاهد رویکرد متفاوت نیز بوده‌ایم.

۱-۲-۱- اشتباه در انتخاب سازمان یا مرجع

در صورتی که طرفین قرارداد به اشتباه سازمانی را انتخاب کنند که آن سازمان اساساً وجود نداشته و یا براساس مقررات کشور مربوطه، سازمان داوری شناخته نمی‌شود، این سؤال مطرح می‌شود که آیا این شروط داوری معیوب قابل ترمیم است یا خیر؟ پاسخ به این سؤال بستگی به این موضوع دارد که آیا دادگاه، ارجاع اختلاف به داوری با ارجاع اختلاف به

31 Supreme People's Court (25 May 2004).

32 *Shenzhen Sinowin Trade & Development Co. Ltd v. Baerlocher Far East Pte Ltd* (2005) ('China International Arbitration Centre' did not exist).

33 *LSR C.A v. Jesus Ramon Rodriguez* (2016).

در این پرونده، دادگاه ونزوئلا، موضوع صلاحیت را یک موضوع نظم عمومی دانسته و رأی به عدم اعتبار شرط داوری می‌دهد که به سازمان غیرموجود ارجاع داده است.

34 Y9. HD., E.99/3348, K.99/4304, T.21.06.1999.

دیوان عالی ترکیه ارجاع به سازمان غیرموجود را باعث ابهام در اراده طرفین و عدم اعتبار شرط داوری دانست. برای بررسی رویکرد دیگر در دادگاه ترکیه، رجوع کنید به:

19 HD., E. 2009/5703, K. 2009/8256 T. 12.05.2014 (non-existent institution: International Arbitration Court in England).

35 Seoul High Court Judgment, Case No. 80Na535 (1980).

برای بررسی رویکرد متفاوت در دادگاه کره جنوبی رجوع کنید به: Supreme Court Judgment Case No.

2024Da243172, (2025)

سازمان داوری را دو مقوله مستقل در نظر می‌گیرد یا خیر؟ همچنین پاسخ به سؤال مذکور بستگی به جایگاه و تأثیر عنصر اشتباه در حقوق قراردادها دارد. به عبارت دیگر، آیا اولویت باید به حقوق قراردادها بر اساس *lex fori* و ماده ۲ کنوانسیون نیویورک داده شود و یا باید ارجاع به داوری، به عنوان موضوعی مستقل از ارجاع به سازمان داوری، ارجح باشد؟ قواعد کلی قراردادها در بسیاری از نظام‌های حقوقی، اشتباه (Common Mistake) را موجب ابطال قرارداد می‌دانند، مشروط بر اینکه اشتباه نسبت به شرایطی که مبنای توافق طرفین بوده رخ داده باشد. بر اساس ماده ۲ کنوانسیون نیویورک نیز چنین توافقی قابل اجرا نیست. همچنین این توافق می‌تواند بر اساس قانون ماهوی حاکم بر موافقت‌نامه داوری به تبع ماده ۵ (۱) کنوانسیون نیویورک قابل اجرا نباشد. علی‌رغم احتمال عدم اعتبار چنین توافقی بر مبنای *lex contractus* یا *lex fori arbitri*، رویه قضایی در برخی از کشورها با رویکر حمایت‌گراانه از داوری (pro arbitration) و با تفسیر مضیق از ماده ۲ کنوانسیون نیویورک در مقام پاسخ به این پرسش برآمدند که آیا اشتباه بر کل موافقت‌نامه داوری تأثیر خواهد گذاشت یا صرفاً بر بخشی که اساساً وجود ندارد (سازمان داوری)؟

در پرونده³⁶ *Control Screening LLC v. Tech. Application & Prod. Co* فروشنده آمریکایی و خریدار ویتنامی در قرارداد خود توافق کردند که اختلافات ناشی از قرارداد در "مرکز داوری بین‌المللی در کشورهای اروپایی" و بر اساس قواعد این سازمان حل و فصل گردد که اساساً چنین سازمانی وجود نداشت.³⁷ اگرچه بر اساس ماده ۲ (۳) کنوانسیون نیویورک، موافقت‌نامه داوری قابل اجرا نیست اما دادگاه تجدیدنظر با هدف رفع تعارض میان کنوانسیون نیویورک و اراده طرفین برای رفع اختلاف خود از طریق داوری اظهار می‌دارد که ماده ۲ (۳) کنوانسیون باید مضیق تفسیر گردد، بدین معنا که تأثیر عنصر اشتباه صرفاً به موضوع انتخاب سازمان داوری که اساساً وجود نداشته است، ارتباط دارد و این بخش از شرط باطل و حذف شده تلقی می‌گردد، اما بخشی از شرط داوری که حاکی از قصد طرفین برای حل اختلافات از طریق داوری است به قوت خود باقی است. از رأی دادگاه می‌توان چنین استنباط کرد که دادگاه، سازمان داوری که وجود ندارد را

36 687 F.3d 163, 166 (3d Cir. 2012).

37 "International Arbitration Centre of European countries"

شروط داوری معیوب: تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی و تفسیر شروط ... | ابریشمی و شیخوند | ۱۵

بخشی از عنصر اساسی توافق ندانسته و با تفکیک آن، اشتباه نسبت به این موضوع را موجب ابطال کل شرط داوری نمی‌داند. رویکرد و استدلال دادگاه آمریکا در پرونده *Control Screening* در برخی از پرونده‌های دیگر نیز مشاهده می‌شود.^{۳۸}

۱-۱-۳- انحلال سازمان داوری در زمان بروز اختلاف و سازمان داوری

جانشین

برای بررسی این شروط معیوب و امکان یا عدم امکان ترمیم آنها، دو حالت باید مورد توجه قرار بگیرد: سازمان داوری منحل شده جانشین ندارد و سازمان داوری منحل شده دارای جانشین است. در صورتی که سازمان داوری منحل شده جانشین نداشته باشد، امکان داوری سازمانی وجود ندارد مگر آنکه طرفین توافق جدید مبنی بر انتخاب سازمان داوری دیگری نمایند. آنچه در رابطه با این شروط محل اختلاف دادگاه‌ها می‌باشد این است که آیا این شروط معیوب، غیرقابل ترمیم و اساساً باطل می‌باشند یا احراز اعتبار داوری موردی بر اساس قصد مشترک طرفین امکان پذیر است. دادگاه‌ها در پاسخ به این موضوع اتفاق نظر ندارند و احراز اعتبار شرط داوری را منوط به تفسیر اراده طرفین بر مبنای قواعد تفسیر می‌دانند. چنانچه سازمان داوری منحل شده، عنصر اساسی و هدف غالب و مؤثر توافق طرفین باشد، همانطور که در پرونده *Sulu* مشاهده گردید، شرط داوری فاقد اعتبار و باطل است. در مقابل، چنانچه عنصر اساسی توافق طرفین، ارجاع به داوری (نه سازمان داوری) باشد، دادگاه می‌تواند بر اساس قانون مقرر، اختلاف را به داوری موردی ارجاع دهد.

در برخی موارد، در زمان بروز اختلاف، سازمان داوری تعیین شده در شرط داوری منحل شده است اما سازمان داوری دیگر، به عنوان سازمان جانشین تعیین می‌شود. آیا دادگاه می‌تواند طرفین را ملزم به ادامه داوری سازمانی با سازمان جانشین نماید؟ در پرونده *Baker Hughes Saudi Arabia Company Limited v. Dynamic Industries, Incorporated*

38 *Kwasny Co. v. Acrylics Int'l Ltd*, No. 09-13357, 2010 WL 2474788 (“the English Centre for International Commercial Arbitration”).

این مرکز داوری وجود نداشت اما دادگاه میان این قسمت از شرط و مابقی آن تفکیک قائل گردید و فقط این قسمت را غیرقابل اجرا دانست.

Great Earth Cos., Inc. v. Simons, 288 F.3d 878 (6th Cir. 2002).

طرفین قرارداد به داوری DIFC-LCIA و داوری موردی در عربستان توافق می‌نمایند. به دلیل انحلال این مرکز بر اساس حکم دولت دبی، دادگاه بدوی به دلیل عدم وجود سازمان داوری در زمان بروز اختلاف، رأی به عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری می‌دهد.^{۳۹} دادگاه تجدیدنظر رویکرد دادگاه بدوی را نمی‌پذیرد و با استناد به پرونده‌های دیگر به‌ویژه پرونده *Brown* و بر خلاف پرونده *Inetianbor*، اظهار می‌دارد، تصریحی در مورد انتخاب DIFC-LCIA به عنوان سازمان داوری انحصاری وجود ندارد و اگر ارجاع به قواعد این سازمان را تلویحاً به منزله ارجاع به سازمان تلقی نماییم، این توافق ضمنی عنصر اساسی توافق نبوده و مانع از داوری موردی در عربستان نخواهد بود. دادگاه تجدیدنظر آمریکا به سه دلیل ادامه داوری سازمانی توسط سازمان جانشین Dubai International Arbitration Centre (DIAC) را امکان‌پذیر می‌داند. اولاً، عملکرد و ساز و کار DIAC از حیث قواعد داوری و نظارت و مدیریت پرونده تفاوتی با DIFC-LCIA ندارد. ثانیاً، دولت دبی در حکم انحلال DIFC-LCIA صریحاً DIAC را به عنوان سازمان جانشین برای داوری‌هایی که در زمان این حکم و بعد از آن شروع می‌شود، به رسمیت می‌شناسد. ثالثاً، با موافقت LCIA، کلیه پرونده‌های در جریان تا قبل از تاریخ حکم دولت دبی، توسط LCIA رسیدگی می‌شود. دادگاه تجدیدنظر، تصمیم به ارجاع به داوری موردی در عربستان یا داوری DIAC را به دادگاه بدوی واگذار می‌نماید. به نظر نویسندگان این مقاله، به استدلالات دادگاه تجدیدنظر، ایرادات ذیل وارد است: اولاً بر خلاف نظر دادگاه، ذکر صریح "صلاحیت انحصاری" از سوی طرفین برای سازمان داوری تعیین شده نیاز نبوده و مرسوم نیست. بنابراین عدم ذکر این عبارت نمی‌تواند به معنای قصد طرفین برای ارجاع به سازمان داوری دیگر تفسیر شود. ثانیاً، چنانچه طرفین صریحاً و یا تلویحاً (با ارجاع به قواعد)، مرکز DIFC-LCIA را انتخاب کرده باشند، جایگزین کردن DIAC که شخصیت حقوقی مستقلی دارد صرفاً به دلیل شباهت عملکرد سازمان‌ها و یا حکم حکومتی نمی‌تواند با قصد مشترک طرفین انطباق داشته باشد. ثالثاً، اگر بپذیریم، داوری صریحاً یا تلویحاً سازمانی است و سازمان مربوطه در زمان بروز

39 23-30827 5th Cir. 2025 (Court of Appeal).

شروط داوری معیوب: تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی و تفسیر شروط ... | ابریشمی و شیخوند | ۱۷

اختلاف وجود نداشته، بر اساس پرونده *Inetianbor* و ماده ۲ کنوانسیون نیویورک شرط داوری قابل اجرا نخواهد بود.

۱-۱-۴- شروط داوری قابل ترمیم و اعتبار موافقت‌نامه داوری

در مقابل رویکرد دادگاه‌هایی که این شروط معیوب را غیر قابل ترمیم می‌دانند، برخی از دادگاه‌ها و حقوق‌دانان با ارائه استدلال‌های متفاوت چنین شروطی را اساساً Pathological ندانسته و آنها را قابل ترمیم می‌دانند. پرسش اصلی این است که مبنا و معیار دادگاه‌ها برای اعتبار بخشی به این شروط چیست؟

دیوان عالی هندوستان در پرونده *Pricol Ltd v. Johnson Controls Enters*⁴⁰ ارجاع به اتاق بازرگانی سنگاپور را به منزله ارجاع به مرکز داوری سنگاپور SIAC تلقی کرده است. در پرونده *Warnes S.A. v. Harvic Int'l*، دادگاه آمریکا ارجاع به داوری سازمانی که اساساً وجود ندارد را به منزله توافق طرفین به ارجاع به داوری بدون ارجاع به سازمان داوری (داوری موردی) می‌داند.⁴¹ دیوان عالی کره جنوبی نیز اخیراً اظهار می‌دارد، زمانی که قصد مشترک طرفین، حل و فصل اختلاف از طریق داوری را نشان می‌دهد، شرط داوری دارای اعتبار است حتی اگر عناصر کلیدی دیگر مانند سازمان داوری، قانون حاکم و مقر داوری در شرط داوری درج نگردد.⁴² رویکرد حمایت‌گراانه از داوری در تفسیر این نوع شروط و با هدف حفظ داوری به عنوان روش مورد توافق طرفین، معمولاً "داوری موردی" بر اساس قواعد آنستیرال و یا در صورت تعیین قواعد حاکم از سوی طرفین، داوری موردی طبق قواعد تعیین شده را تجویز می‌نماید.⁴³

40 Ltd No.30, 2014, Supreme Court of India.

41 *Warnes S.A. v. Harvic Int'l, Ltd*, 1993 WL 228028.

42 Supreme Court Judgment Case No. 2024Da243172, (2025).

43 *Travelport Global Distribution System BV v. Bellview Airlines Ltd*, 2012 WL 3925856.

۱-۲-۱-ارجاع به قواعد داوری سازمان داوری

در بسیاری از شروط داوری در قراردادها، طرفین، بدون اشاره و نام بردن از سازمان داوری، صرفاً نسبت به اعمال قواعد یک سازمان داوری توافق می‌نمایند. این نوع شروط داوری در داوری سازمانی بسیار مرسوم است و اعتبار و آثار آنها از حیث صلاحیت داوری سازمانی محل مناقشه است. در چنین مواردی، شروط داوری در دو حالت معیوب تلقی می‌گردد: ۱) قواعد مورد توافق طرفین اساساً وجود نداشته باشد، ۲) سازمان داوری که به قواعد آن ارجاع داده شده، در زمان بروز اختلاف منحل شده باشد. پرسش اصلی که در این قسمت از مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که آیا این شروط معیوب، قابل ترمیم می‌باشند؟

۱-۲-۱-۱-قواعد داوری مورد توافق طرفین اساساً وجود ندارد

در صورتی که قواعد مورد توافق طرفین در شرط داوری، اساساً وجود نداشته باشد، این پرسش مطرح می‌گردد که آیا این شروط باعث بی اعتباری موافقت‌نامه داوری می‌گردند؟ دادگاه‌ها در پاسخ اختلاف نظر دارند.

در پرونده *Robotunits Pty Ltd v. Juergen Karl Mennel*⁴⁴، طرفین "داوری موردی" را به طور انحصاری به عنوان روش حل و فصل اختلافات در نظر گرفته و اصول راهنمای داوری مرکز حقوقی ویکتوریا را انتخاب کرده بودند که اساساً چنین قواعدی وجود نداشته است. دادگاه استرالیا با توجه به قصد طرفین که داوری را به عنوان تنها روش حل و فصل اختلاف ذکر کرده بودند، اعتبار موافقت‌نامه داوری را احراز کرد.

دادگاه هنگ کنگ کنگ در پرونده *Lucky-Goldstar*⁴⁵ با تقسیم کردن شرط داوری به دو بخش مستقل و نادیده گرفتن بخشی که اساساً باطل است، اختلاف را به داوری موردی ارجاع داد. در این پرونده، طرفین به داوری در کشور ثالث بر اساس قواعد International commercial arbitration association توافق کردند که اساساً

44 [2015] VSC 268.

45 *Lucky-Goldstar International (H.K.) Limited v. Ng Moo Kee Engineering Limited* [1994] Arb. & Disp. Resol. L.J. 49

وجود نداشته است. دادگاه در استدلال خود بیان می‌دارد که با توجه به اراده صریح طرفین در ارجاع به داوری، ارجاع به قواعد ناموجود می‌تواند نادیده گرفته شود و طرفین، داوری موردی در کشور ثالث را مدنظر قرار دهند.

دادگاه سنگاپور در پرونده⁴⁶ *TMT Co LTD v. Royal Bank of Scotland*، ارجاع به قواعد و سازمان داوری که وجود نداشته را موجب بی اعتباری موافقت‌نامه داوری دانست و دادگاه ونزوئلا نیز ارجاع به قواعد ناموجود را از موارد بی اعتباری موافقت‌نامه داوری لحاظ کرد.⁴⁷ به نظر ما، در زمانی که داوری، موردی باشد و طرفین صریحاً یا تلویحاً سازمان داوری را انتخاب نکرده باشند، ارجاع به قواعد ناموجود نباید خللی به اعتبار شرط داوری وارد نماید و با تعیین مقر، داوری طبق *lex arbitri* انجام می‌شود. همچنین، چنانچه داوری، سازمانی باشد و سازمان منتخب وجود داشته باشد، ارجاع به قواعدی که اساساً وجود ندارد، نباید خللی به اعتبار موافقت‌نامه داوری وارد نماید و چنین قواعدی می‌تواند اساساً با توجه به وجود قواعد سازمان داوری، حذف شده تلقی گردد. از این رو، رویکرد مطرح شده در پرونده *Brown*، که میان قواعد ناموجود و سازمان ناموجود تمایز قائل می‌شود، از این حیث قابل دفاع است.

۱-۲-۲- ارجاع به قواعد سازمان داوری که آن سازمان در زمان اختلاف منحل گردیده است

در صورتی که طرفین در قرارداد نسبت به ارجاع اختلافات خود به یک سازمان داوری و طبق قواعد آن سازمان توافق نمایند و آن سازمان در زمان توافق موجود اما در زمان اختلاف منحل شده باشد، آیا شرط داوری فاقد اعتبار است؟ پاسخ این پرسش بستگی به جواب این سؤال مهم دارد: آیا ارجاع به قواعد داوری یک سازمان داوری به منزله ارجاع اختلاف به آن سازمان داوری و ایجاد صلاحیت برای آن می‌باشد؟ به نظر نویسندگان این مقاله، ارجاع به قواعد داوری یک سازمان به دلایل ذیل به منزله ارجاع به آن سازمان است:

46 [2017] SGHC 21.

47 *LSR C.A. v. Jesus Ramon Rodriguez*, Expate. 1181, Venezuela (2016).

S. Laurence, D. Benedetti, V & de Nitto Personè, Mario. 'A Pathology (Yet) to Be Cured?'. *Journal of International Arbitration* 39, 3 (2022), 365–378.

اول، بر اساس قواعد تفسیر، قصد مشترک طرفین از ارجاع به قواعد داوری سازمانی تلویحاً به منزله اراده طرفین برای انتخاب آن سازمان داوری به عنوان مرجع حل و فصل اختلاف است.^{۴۸}

دوم، پاسخ رویه قضایی غالب و اکثریت دادگاه‌ها به پرسش فوق مثبت است. در پرونده *Critical Health*^{۴۹} که به سه قواعد اشاره شده بود، شعبه چهارم دادگاه آمریکا اظهار داشت، ارجاع به سه قواعد به منزله ارجاع به سازمان است و بر اساس اصل *expressio unius est exclusio alterius* انتخاب یک مرجع به معنای عدم انتخاب مراجع دیگر است. این رویکرد حتی در استدلال دادگاه تجدیدنظر آمریکا در پرونده *Baker Hughes*^{۵۰} مشاهده می‌شود و شعبه پنجم در نهایت، علی‌رغم نتیجه‌گیری متفاوت بیان می‌دارد، اکثریت دادگاه‌ها در آمریکا ارجاع به قواعد را به منزله ارجاع به سازمان مربوطه می‌دانند.^{۵۱}

سوم، ارجاع به قواعد بیانگر اهمیت ویژگی‌های آن برای طرفین است و این قواعد زمانی قابل اعمال است که سازمان داوری بتواند وظایف محوله در قواعد را انجام دهد. عدم امکان اجرای قواعد در داوری موردی یا از سوی سازمانی که ارکان لازم برای اجرای قواعد را ندارد، نقض آیین داوری بوده که می‌تواند موجب ابطال رأی گردد. از این رو، با هدف رفع ابهام، مرکز ICC از سال ۲۰۱۲ و مرکز داوری اتاق ایران از سال ۲۰۲۳، به این مهم در قواعد خود تصریح می‌نمایند.^{۵۲}

48 *PaineWebber, Inc. v. Rutherford*, 903 F.2d 106, 108 (2d Cir. 1990).

در این پرونده، دادگاه تفاوتی میان ارجاع به قواعد داوری و ارجاع به سازمان داوری قائل نمی‌گردد. در پرونده *Brown* نیز، دادگاه تلویحاً نتیجه‌گیری می‌نماید که ارجاع به قواعد یک سازمان به معنای انتخاب آن سازمان است.

49 *Critical Health Systems of North Carolina, Inc. v. North Carolina Department of Health and Human Services* 212 F.3d 860 (4th Cir. 2000).

50 23-30827 (5th Cir. 2025).

51 23-30827 (5th Cir. 2025), p.19 “While the Second, Fourth, and Eleventh Circuits may be correct to embrace the implied forum-selection clause approach...”.

۵۲ ماده ۳ قواعد مرکز داوری اتاق ایران و ماده ۶ و بند ۲ ماده ۱ قواعد داوری ICC.

۱-۳-ارجاع هم‌زمان به دادگاه و داوری

یکی از مصادیق مرسوم شروط معیوب، شروطی است که به دو مرجع دادگاه و داوری هم‌زمان ارجاع می‌دهد. ارجاع به این دو مرجع می‌تواند در یک بند از قرارداد انجام شود و یا در دو بند جداگانه درج گردد. دو سؤال درباره این شروط مطرح می‌شود: آیا این شروط باطل هستند و یا قابل ترمیم؟ در صورت اعتبار این شروط، کدام مرجع صلاحیت رسیدگی را دارد؟ پاسخ به سؤال نخست محل اختلاف نیست و امروزه به ندرت شاهد ابطال چنین شروطی از سوی دادگاه‌ها هستیم. از این رو، دادگاه‌ها از این مرحله عبور کرده و به سؤال دوم با اختلاف نظر و رویکردهای متفاوت پاسخ داده‌اند. دیدگاه Lord Hoffman در پرونده معروف *Fiona Trust*⁵³، که با تفسیر موسع خاطر نشان می‌سازد، منطق تجاری نمی‌پذیرد که دو مرجع متفاوت به‌طور هم‌زمان نسبت به یک رابطه تجاری و یک قرارداد صلاحیت داشته باشند، تأثیر خود را به مرور زمان از دست داده و قصد مشترک طرفین می‌تواند خلاف اماره مطرح شده (که به داوری ارجحیت می‌دهد)⁵⁴ در این پرونده را اثبات نماید.⁵⁵ بنابراین، دادگاه‌ها در تفسیر این شروط، بررسی می‌نمایند که آیا دادگاه و داوری قابل جمع با یکدیگر می‌باشند یا خیر؟ پاسخ به این پرسش در سه حالت مورد بررسی قرار می‌گیرد: زمانی که جایگاه هریک از دو مرجع در شرط مشخص

53 *Fiona Trust & Holding Corp v. Privalov* [2007] UKHL 40.

54 One stop-shop presumption

Lord Hoffman: "In my opinion the construction of an arbitration clause should start from the assumption that the parties, as rational businessmen, are likely to have intended any dispute arising out of the relationship into which they have entered or purported to enter to be decided by the same tribunal. The clause should be construed in accordance with this presumption unless the language makes it clear that certain questions were intended to be excluded from the arbitrator's jurisdiction."

55 *Rinehart v. Welker* [2012] NSWCA 95.

دادگاه‌های استرالیا در مورد رویکرد و قلمرو *Fiona Trust*، اختلاف نظر دارند. در این پرونده این رویکرد مورد توجه قرار نگرفت.

در پرونده *Hancock Prospecting v. Rinehart* [2017] FCAFC 170 رویکرد *Fiona Trust* تأیید گردید.

J. Tseng, *Fiona Trust in Context: Interpreting Arbitration Clauses following Rinehart v Hancock*. *Arbitration International* 36, 2020, 109-121.

شده باشد، مواردی که ارجاع به یک مرجع، الزامی و به مرجع دیگر، اختیاری باشد و زمانی که دادگاه صلاحیت انحصاری و ارجاع به داوری، الزامی باشد.

۱-۳-۱- تعیین اولویت و یا قلمرو صلاحیت دو مرجع

در صورتی که در قرارداد، طرفین مشخص نمایند کدام مرجع بر دیگری اولویت دارد و یا قلمرو صلاحیت هر یک از دو مرجع قانوناً یا بر اساس توافق طرفین تعیین شده باشد،^{۵۶} دو مرجع دادگاه و داوری با یکدیگر قابل جمع هستند. به عنوان مثال، در شروط چند مرحله‌ای، چنانچه صریحاً مقرر گردد که طرفین اختلافات خود را ابتدا به داوری و سپس به دادگاه ارجاع می‌دهند یا چنانچه اختلافات ناشی از تعهدات یک طرف قرارداد به یک مرجع و طرف دیگر به مرجع دیگر ارجاع داده شود، اعتبار شرط قابل احراز است. در پرونده *Naviera Amazonica Peruana S.A. v. Compania Internacional de Seguros del Peru* دو شرط حلّ و فصل اختلاف، یکی ارجاع به دادگاه پرو و دیگری داوری در لندن درج شده بود. ارجاع به دادگاه در لیست شروط قرارداد چاپ شده و شرط داوری به صورت تایپ شده بود و صراحتاً ذکر گردیده بود که در صورت تعارض میان شروط چاپ شده و تایپ شده، اولویت با تایپ شده است. از این رو، دادگاه تجدیدنظر انگلستان با استناد به تصریح طرفین در قرارداد، شرط داوری در لندن را ارجح دانست.^{۵۷}

۱-۳-۲- توافق طرفین در الزامی بودن یک مرجع و اختیاری بودن دیگری

چنانچه در شروط ترکیبی که هم‌زمان به دادگاه و داوری ارجاع می‌دهند، ارجاع به دادگاه به عنوان روش الزام آور و ارجاع به داوری به عنوان روش اختیاری باشد، این شروط بر

56 *Seeley International Pty Ltd v. Electra Air Conditioning B.V* [2008] FCA 29.

در این پرونده که به قرارداد توزیع ارتباط داشت، شرط داوری وجود داشت اما دادگاه موضوع دستور موقت را در صلاحیت دادگاه دانست.

H v. G [2022] HKCFI 1327.

در این پرونده دادگاه هنگ کنگ، اختلافات ناشی از قرارداد مرتبط با ضمانت را در صلاحیت داوری، اما اختلافات ناشی از قرارداد ضمانت را در صلاحیت دادگاه هنگ کنگ دانست.

57 [1988] 1 Lloyd's Rep. 116.

اساس دیدگاه Eisemann، که اعتبار شرط داوری را منوط به الزامی بودن داوری می‌داند، باطل (Pathological) هستند. از این رو، در چنین مواردی هم به علت تصریح به الزامی بودن دادگاه در شرط و هم به علت اختیاری بودن داوری، دادگاه صلاحیت رسیدگی دارد صرف نظر از اینکه علت صلاحیت دادگاه را باطل بودن شرط داوری یا توافق طرفین بر الزامی بودن دادگاه در نظر بگیریم.⁵⁸ دیوان عالی دبی در مورد شروطی که ارجاع به داوری را اختیاری در نظر می‌گیرند اظهار می‌دارد که به طور کلی اصل بر صلاحیت دادگاه است و داوری استثناء است و از این رو شرط داوری باید تفسیر مضیق گردد، بدین معنا که ارجاع به دادگاه به منزله صرف نظر کردن از داوری در مرکز داوری دبی است.⁵⁹ از طرف دیگر، چنانچه ارجاع به داوری الزامی و ارجاع به دادگاه اختیاری باشد، داوری بر دادگاه ارجحیت خواهد داشت.⁶⁰ بنابراین، در این نوع شروط، با توجه اینکه، طرفین، قصد مشترک خود را نسبت جایگاه دو مرجع صریحاً ذکر می‌کنند، این شروط قابل ترمیم هستند. به نظر ما، اماره پرونده *Fiona Trust* در مواردی که داوری اختیاری باشد، قابل اعمال نیست و طرفین با الزامی دانستن ارجاع به دادگاه، خلاف این اماره توافق کرده‌اند.

۱-۳-۳- صلاحیت انحصاری دادگاه و الزامی بودن داوری⁶¹

در رابطه با شروطی که برای دادگاه صلاحیت انحصاری در نظر می‌گیرد و هم‌زمان داوری را الزامی می‌داند، تفسیرهای متفاوتی قابل ارائه است. اولویت هریک از این دو مرجع بر دیگری بستگی به مبنا و ملاک تفسیر دارد. چنانچه معیار تفسیر، قصد مشترک طرفین باشد، امکان ارجاع هم به دادگاه و هم به داوری وجود دارد. در چنین مواردی دو گزینه می‌تواند مطرح گردد. اول، به علت وجود تعارض دو شرط حل و فصل اختلاف، هر دو شرط باطل

58 *OOO Abbott v. Design & Display* [2017] EWHC.

در این پرونده اختلافات ناشی از موافقت‌نامه مجوز حق اختراع در صلاحیت انحصاری دادگاه انگلستان بود و طرفین، داوری اختیاری را نیز با این عبارت که طرفین "می‌توانند" اختلافات خود را به داوری ارجاع دهند، در قرارداد درج کردند.

59 Case No 202 of 2021 (Dubai Court of Cassation).

دادگاه دبی عبارت "without prejudice" را دلیل بر اصل بودن صلاحیت دادگاه می‌داند.

60 *Ace Capital v. CMS Energy* [2008] EWHC 1843.

61 Exclusive Jurisdiction and Mandatory Arbitration Clause.

می باشند. این گزینه امروزه طرفداران زیادی ندارد. دوم، از آنجا که هر دو مرجع نتیجه قصد مشترک طرفین است، هر یک از طرفین می توانند یکی از این دو مرجع را انتخاب نمایند و انتخاب یک مرجع به منزله عدم انتخاب مرجع دیگر است. گزینه دوم، مورد تأیید بسیاری از دادگاه ها نیز بوده است.^{۶۲}

چنانچه معیار، تفسیر موسع بر اساس سیاست حمایت گرانه از داوری باشد، این خود می تواند به سه طریق تفسیر گردد. یک تفسیر، مرجع دانستن داوری بر دادگاه می باشد. تفسیر دوم اماره بر ارجحیت داوری همراه با در نظر گرفتن نقش نظارتی دادگاه^{۶۳} و تفسیر سوم، اولویت داوری با در نظر گرفتن نقشی فراتر از نقش نظارتی برای دادگاه.^{۶۴}

در پرونده معروف *Paul Smith Ltd v. H&S International Holding Inc*^{۶۵} شرط داوری به ICC ارجاع می دهد و شرط دیگر برای دادگاه انگلستان صلاحیت انحصاری لحاظ می نماید.^{۶۶} دادگاه انگلستان در رأی خود، داوری را مرجع رسیدگی به اختلاف تعیین می کند و ارجاع به دادگاه انگلستان را صرفاً برای تعیین قانون مقرر می داند. به نظر ما، چنین تفسیری از اراده طرفین به نوعی باز نویسی شرط مذکور است و باعث گردیده این رویکرد مبنای بسیاری از پرونده های دیگر در دادگاه های انگلستان قرار بگیرد.^{۶۷} چنین تفسیری از شرط حل و فصل اختلاف با دو انتقاد اساسی مواجه است. اول، نقش نظارتی برای دادگاه بر اساس *lex arbitri* وجود دارد و نقشی نیست که دادگاه

62 *Lobb P'ship Ltd v. Aintree Racecourse Co. Ltd* [2000], *William Co. v. Chu Kong Agency Co. Ltd* [1994].

63 *Fiona Trust & Holding Corp v. Privalov* [2007] UKHL 40.

64 *Shell International Petroleum Co. Ltd V. Coral Oil Co. Ltd* [1999] 1 Lloyd's Rep. 72 (Q.B.).

در این پرونده علاوه بر نقش دادگاه در تعیین *lex arbitri*، انتخاب دادگاه از سوی طرفین را به تعیین موضوع *proper law* ارتباط می دهد.

65 [1991] 2 Lloyd's Rep. 127 (Q.B.).

66 "[t]his Agreement is written in the English language and shall be interpreted according to English law. The Courts, of England shall have exclusive jurisdiction over it to which jurisdiction the parties hereby submit".

67 *Ace Capital Ltd v. CMS Energy Corp.* [2008] EWHC 1843 (Comm). *Fiona Trust & Holding Corp v. Privalov* [2007] UKHL 40. *Sulamerica Cia Nacional de Seguros S.A. & others v. Enesa Engenharia S.A.* [2012] 1 Lloyd's Rep. 275.

اعطاء نماید. بنابراین، تفسیر اراده طرفین از انتخاب دادگاه به نحوی که به منزله اراده طرفین در تعیین *lex arbitri* یا بر اساس پرونده^{۶۸} *Shell International Petroleum Co*، به منزله اراده طرفین در تعیین *proper law* باشد، قابل دفاع نیست. انتقاد دوم را با این پرسش‌ها مطرح می‌کنیم، آیا سیاست حمایت‌گرانه از داوری می‌تواند بر خلاف قصد مشترک طرفین باشد؟ آیا ملاک تفسیر شرط داوری می‌تواند صرفاً با تمرکز بر سیاست باشد حتی اگر با اصول و قواعد عمومی تفسیر در تعارض باشد؟^{۶۹} اینها موضوعاتی است که دیوان‌های داوری و دادگاه‌ها باید در تفسیر موافقت‌نامه داوری مورد توجه قرار دهند. سیاست حمایت‌گرانه از داوری زمانی منجر به توسعه و استحکام نهاد داوری می‌گردد که با اصول و مبانی سازگار باشد. در غیر این صورت، رویکرد حمایت‌گرانه به رویکرد تقابلی با داوری تبدیل خواهد شد.

۲- شروط داوری در اختلافات ارجاع داده شده به مرکز داوری اتاق ایران

بسیاری از سازمان‌های داوری برای تسهیل ارجاع اختلافات به سازمان خود، اقدام به ارائه شرط داوری نمونه می‌نمایند، با این هدف که طرفین قرارداد عیناً از آن استفاده کرده و یا با الگو قراردادن شرط نمونه، شرط داوری در قرارداد خود را تنظیم نمایند. مرکز داوری اتاق ایران مانند سایر سازمان‌های داوری دارای شرط نمونه است تا طرفین قرارداد از آن برای ارجاع اختلافات خود به این مرکز استفاده نمایند.^{۷۰} با این وجود، عدم تبعیت از شرط

68 *Shell International Petroleum Co. Ltd v. Coral Oil Co. Ltd* [1999] 1 Lloyd's Rep. 72 (Q.B.).

برای بررسی تعارض میان رویکرد مبتنی بر اصول و رویکرد مبتنی بر سیاست‌گذاری، رجوع کنید به:

69 J. Plunkett, Principle and Policy in Private Law Reasoning, *The Cambridge Law Journal* 75, 2(2016), 366-397.

۷۰ "کلیه اختلافات و دعاوی ناشی از این قرارداد و یا مرتبط با آن از جمله انعقاد، اعتبار، فسخ، نقض، تفسیر یا اجرای آن به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع می‌گردد که مطابق با قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران به صورت قطعی و لازم الاجرا حل و فصل گردد. این شرط داوری، موافقت‌نامه‌ای مستقل از قرارداد اصلی تلقی می‌شود و در هر حال لازم الاجرا است." پس از اصلاح قواعد داوری در سال ۱۴۰۲ شرط نمونه نیز اصلاح گردید. نظر به اینکه قواعد داوری ۱۴۰۲ جامع، مدرن و مطابق با استانداردهای بین‌المللی است، شرط داوری نمونه ساده و کلی با ارجاع به قواعد داوری جامع گزینه مناسب است و می‌تواند باعث کاهش تعداد شروط داوری معیوب شود.

نمونه و یا اعمال تغییرات مبهم بر آن منجر می‌گردد که سازمان‌های داوری از جمله مرکز داوری اتاق ایران با شروط معیوب متعددی مواجه گردند. با هدف آسیب شناسی و ارائه راهکار در جهت کاهش تعداد شروط داوری معیوب در اختلافاتی که به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع می‌گردد، این قسمت از مقاله، در ابتدا به تقسیم‌بندی و تفسیر شروط داوری در اختلافات ارجاع شده به مرکز داوری اتاق ایران پرداخته، سپس به بررسی و تفسیر شروط داوری دفاتر مرکز داوری اتاق ایران می‌پردازد و نهایتاً ضمن بررسی علل پیدایش شروط داوری معیوب، پیشنهاداتی در جهت رفع مشکل ارائه می‌نماید. پیش از بررسی این موضوعات و نظر به اینکه تشکیل سازمان داوری در ایران دارای مقررات خاص است، ضرورت دارد مختصری از شرایط و ضوابط ایجاد سازمان داوری در نظام حقوقی ایران و همچنین توضیح مختصری در باب ساختار مرکز داوری اتاق ایران ارائه گردد.

۲-۱- داوری سازمانی در نظام حقوقی ایران

۲-۱-۱- شرایط و ضوابط ایجاد سازمان داوری در نظام حقوقی ایران

در اجرای بند الف ماده ۱۱۶ قانون برنامه ششم توسعه و به منظور ارتقای نظام داوری و توسعه روش‌های جایگزین حل اختلاف، دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری در سال ۱۴۰۰ توسط رئیس قوه قضائیه ابلاغ گردید. این دستورالعمل مجموعه‌ای از شرایط، ضوابط و فرایندهای قانونی را برای تأسیس یک مؤسسه یا نهاد داوری در نظام حقوقی ایران الزامی کرده است. مطابق با دستورالعمل مذکور، داوری سازمانی در نظام حقوقی ایران به دو طریق امکان‌پذیر است: از طریق سازمان‌هایی که به موجب قانون خاص تأسیس شدند و یا از طریق تشکیل مؤسسه داوری با اخذ مجوز از مرکز توسعه حل اختلاف قوه قضائیه. به موجب تبصره ۱ ماده ۶ این دستورالعمل، سازمان‌هایی که به موجب قانون خاص تشکیل شده‌اند از شمول الزامی اخذ

مجاز از مرکز توسعه حل اختلاف مستثنی هستند و مرکز داوری اتاق ایران نیز به دلیل داشتن قانون خاص و پشتوانه قانونی شامل این استثناء است.^{۷۱}

۲-۱-۲- ساختار مرکز داوری اتاق ایران

مرکز داوری اتاق ایران، بر مبنای "قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران" مصوب سال ۱۳۸۰ با هدف حل و فصل اختلافات تجاری داخلی و بین‌المللی از طریق داوری تأسیس گردیده است. مقر این مرکز شهر تهران است و دارای سه رکن هیئت مدیره، دبیرکل و داوران است. مطابق ماده ۲ آیین‌نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق ایران ۱۳۸۴ مصوب هیئت نمایندگان اتاق ایران، به‌منظور ترویج داوری و دسترسی آسان‌تر فعالان اقتصادی به خدمات مرکز، مرکز داوری اتاق ایران امکان تأسیس دفاتر در اتاق‌های بازرگانی شهرستان‌ها را بر اساس دستورالعمل دفاتر مرکز داوری را دارد و تا تاریخ نگارش این مقاله، تعداد ۲۴ دفتر در اتاق‌های شهرستان مشغول به فعالیت هستند.^{۷۲} این دفاتر فاقد شخصیت حقوقی مستقل بوده و مطابق بند ۲ آیین‌نامه تشکیلات مستقیماً زیر نظر دبیرخانه مرکز داوری اتاق ایران و در چارچوب دستورالعمل مربوطه اقدام می‌نمایند.^{۷۳} دیوان

۷۱ ماده ۶ دستورالعمل ساماندهی حل و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری: "نهاد داوری حرفه‌ای به یکی از روش‌های زیر تأسیس می‌شود: به موجب قانون؛ تشکیل نهاد داوری با شخصیت حقوقی مستقل و اخذ پروانه از مرکز؛ تبصره ۱- نهادهای داوری که به موجب قوانین خاص تشکیل شده اند الزامی به اخذ پروانه از مرکز ندارند."

۷۲ اسامی دفاتر مرکز داوری اتاق ایران عبارتند از: دفتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق بازرگانی تهران، اتاق اصفهان، اتاق البرز، اتاق کرمان، اتاق بندرعباس، اتاق شیراز، اتاق تبریز، اتاق ارومیه، اتاق شهرکرد، اتاق سندج، اتاق زنجان، اتاق مشهد، اتاق یزد، اتاق گرگان، اتاق کرمانشاه، اتاق همدان، اتاق بوشهر، اتاق بیرجند، اتاق خرم‌آباد، اتاق ساری، اتاق خرمشهر، اتاق قزوین، اتاق اهواز و اتاق اردبیل.

۷۳ نظر به اینکه قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب سال ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی، امکان تأسیس دفتر در اتاق‌های بازرگانی کشور را پیش‌بینی نکرده است، مطابقت ماده ۲ آیین‌نامه تشکیلات ۱۳۸۴ با قانون اساسنامه مرکز محل نزاع و تردید می‌باشد که این موضوع خارج از بحث این مقاله است. ماده ۲ آیین‌نامه مذکور با عنوان "مقر مرکز داوری" چنین اشعار می‌دارد: "مقر مرکز داوری، شهر تهران خواهد بود. مرکز می‌تواند به‌منظور تشویق و ترویج داوری و نیز تسهیل مراجعه به مرکز داوری و استفاده از خدمات آن، در اتاق بازرگانی هر یک از مراکز استان دفتری تأسیس نماید

داوری مرکز داورى اتاق ايران نیز به موجب فصل پنجم آیین‌نامه تشکيلات مرکز داورى و به منظور حسن انجام خدمات مرکز داورى و نیز به منظور اطمینان بیشتر از رعایت صحیح قانون من جمله مقررات اساسنامه مرکز داورى و نیز آیین‌نامه‌هاى داخلى مرکز داورى ایجاد گردیده است.^{۷۴}

۲-۲- تقسیم‌بندی و تفسیر شروط مرکز داورى اتاق ايران

با مطالعه و بررسی برخی از شروط داورى در اختلافاتى که به مرکز داورى اتاق ايران ارجاع داده شده است، ملاحظه می‌گردد که طرفین قرارداد، الزاماً از شرط نمونه مرکز داورى به صورت جامع و مانع تبعیت نکرده‌اند؛ گاه به تبعیت ناقص از شرط نمونه اقدام کرده و گاه نیز ضمن تبعیت کامل از شرط داورى نمونه سازمان، با توجه به اقتضائات روابط قراردادى خود، اقدام به درج نکات تکمیلی همچون "تعیین تعداد داور"، "نحوه تعیین و نصب داور"، "نحوه انجام مکاتبات در طول قرارداد و جریان داورى"، "تعیین تکلیف در خصوص هزینه‌هاى داورى"، "تعیین مقر داورى"، "تعیین مکان داورى"، "تعیین زبان داورى"، "تعیین پیش شرط مذاکره"، "تعیین مدت داورى" و همچنین "عدم قابلیت اعتراض به رأى داورى" کرده‌اند.

۲-۲-۱- تقسیم‌بندی شروط مرکز داورى اتاق ايران

نویسندگان این مقاله با مطالعه و بررسی برخی از شروط داورى در اختلافاتى که به مرکز داورى اتاق ايران ارجاع داده شده است، این شروط را به ده گروه تقسیم می‌نمایند:

که مستقیماً زیر نظر دبیرخانه مرکز فعالیت خواهند نمود. تبصره- حدود وظایف و اختیارات دفاتر مراکز داورى در استان ها به موجب دستورالعملی است که به تصویب هیئت مدیره خواهد رسید."

۷۴ این دیوان مرکب از ۲۱ نفر از اشخاص ذی‌صلاح و مجرب داخلى و خارجى است و وظایف و صلاحیت‌هاى آن همچون "تصمیم‌گیرى در مورد ایراد مطروحه در خصوص وجود موافقت‌نامه داورى، اعتبار یا حوزه شمول، پیش از نصب داور" و "بررسى پیش نویس آراء داورى" در قواعد داورى و نیز در آیین‌نامه تشکيلات مرکز داورى مشخص گردیده است.

- در گروه اول شاهد شروطی هستیم که طرفین به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع نمی‌دهند، بلکه به سازمان یا مرجعی ارجاع می‌دهند که در زمان انعقاد قرارداد و در زمان حدوث اختلاف اساساً وجود خارجی نداشته است. اعتبار یا عدم اعتبار این شروط بستگی به تفسیر آنها دارد که در ادامه به این موضوع خواهیم پرداخت. عباراتی همچون "دیوان داوری اتاق بازرگانی ایران"، "اتاق داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران"، "اتاق داوری بین‌المللی ایران"، "مجمع قضاات اتاق بازرگانی ایران"، "قسمت داوری اتاق بازرگانی"، "مرکز حکمیت اتاق بازرگانی ایران"، "کمیته داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران"، "گروه داوری اتاق بازرگانی"، "هیئت داوری اتاق بازرگانی"، "هیئت حل اختلاف اتاق بازرگانی"، "کانون داوری ایران مستقر در اتاق بازرگانی"، "نهاد داوری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران"، "دادگاه حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران"، "اداره حکمیت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران"، "اتاق داوری اتاق بازرگانی"، "اتاق داوری ایران"، "اتاق داوری اتاق بازرگانی ایران"، "اتاق داوری بازرگانی"، "حکمیت و داوری اتاق داوری ایران"، "اتاق بازرگانی بین‌المللی ایران"، "سازمان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ایران"، "مرکز داوری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران"، "کمیته ایرانی اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران"، "مرکز داوری"، و "اتاق بازرگانی بین‌المللی ایران ICCIMA" جملگی بخشی از این گونه اسامی هستند که در شروط قید شده‌اند.

- گروه دوم شامل شروطی است که طرفین قرارداد در آن به سازمانی ارجاع می‌دهند که اگرچه آن سازمان موجودیت دارد، اما اساساً انجام داوری سازمانی برای آن امکان‌پذیر نیست، مانند ارجاع به "کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی" یا ارجاع به "اتاق‌های مشترک بازرگانی ایران و ... " یا "دایره حقوقی اتاق بازرگانی".

- گروه سوم، شروط داوری است که در آن طرفین به قواعد داوری استناد می‌نمایند که اساساً وجود نداشته یا ماهیتاً مقررات داوری نمی‌باشند به عنوان مثال، ارجاع به "مقررات اتاق ایران"، "قوانین داوری اتاق ایران"، "مقررات سازش و داوری اتاق ایران"، "قوانین مصالحه و داوری اتاق کرمان"، قواعد داوری اتاق تهران" و "مقررات اتاق تهران".

- گروه چهارم شامل شروطی است که به مرجع داوری و دادگاه اشاره می‌کند. در برخی از این شروط، از مرجع قضایی به عنوان مرحله بعد از داوری به دلایلی همچون "حل نشدن موضوع اختلاف"، "عدم تبعیت طرفین از تصمیم داور"، "عدم پذیرش اتاق به داوری" و نهایتاً عدم حصول نتیجه در داوری نام برده‌اند و یا دادگاه را هم عرض نهاد داوری برای حل و فصل اختلافات پیش‌بینی کرده‌اند.
- گروه پنجم شروطی را شامل می‌شود که هم‌زمان به دو مرجع داوری همچون "مرکز منطقه‌ای داوری تهران"^{۷۵} یا "مرکز داوری اتاق بازرگانی ایران" ارجاع می‌دهند.
- گروه ششم که تعداد زیادی را نیز به خود اختصاص می‌دهد، شامل شروطی است که صرفاً به قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران استناد می‌کند و نه به خود مرکز.
- گروه هفتم شروطی هستند که به اتاق ایران یا اتاق شهرستان‌ها ارجاع می‌دهد.
- گروه هشتم شروطی هستند که به "مرکز داوری اتاق ایران" یا "اتاق ایران" با رعایت قواعد سایر سازمان‌های داوری همچون قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ICC اشاره می‌نماید.
- گروه نهم شروطی هستند که طرفین هم‌زمان به دو قواعد اشاره می‌نمایند مانند ارجاع به مقررات سازش و داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی و اتاق بازرگانی جمهوری اسلامی ایران.
- گروه دهم اختصاص به شروطی دارد که در آن تعداد داور به صورت مبهم و با عبارت "یک یا سه" در نظر گرفته می‌شود یا شروطی که در آن به مقر داوری یا قانون حاکم اشاره نمی‌کند.

۲-۲-۲- بررسی و تفسیر شروط مرکز داوری اتاق ایران

با توجه به تقسیم‌بندی فوق، این سؤال مطرح می‌گردد: کدام گروه از شروط مذکور در زمره شروط معیوب غیرقابل ترمیم (Pathological) و کدام گروه در حیطه شروط معیوب قابل ترمیم (Imperfect) قرار می‌گیرد؟

از میان ده گروه تقسیم‌بندی شده، شروط داوری که به اتاق بازرگانی ایران یا اتاق‌های بازرگانی شهرستان‌ها اشاره می‌کند، با تصریح آیین‌نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق ایران و قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران،^{۷۶} برای مرکز داوری اتاق ایران ایجاد صلاحیت می‌نماید. به نظر ما، بر اساس قصد مشترک طرفین، ارجاع به اتاق بازرگانی ایران یا اتاق‌های بازرگانی شهرستان‌ها (حتی بدون تصریح آیین‌نامه مرکز) به منزله ارجاع به مرکز داوری اتاق ایران است، زیرا صرفاً مرکز داوری اتاق ایران قانوناً مجاز به انجام داوری سازمانی در اتاق‌های بازرگانی سراسر کشور است. این تفسیر با رویه دادگاه‌ها در کشورهای دیگر به عنوان مثال در پرونده *Pricol Ltd*^{۷۷} که ارجاع به اتاق بازرگانی سنگاپور را ارجاع به مرکز داوری سنگاپور می‌داند نیز سازگار است. بنابراین، درباره اعتبار گروه هفتم ابهام یا تردید نباید وجود داشته باشد.

گروه دهم نیز شامل شروطی می‌شود که خدشه‌ای به عنصر اساسی توافق طرفین و اعتبار شرط داوری وارد نمی‌کند. در مورد ابهام در تعیین تعداد داور، عدم تعیین مقر داوری و عدم تعیین قانون حاکم بر ماهیت اختلاف، قواعد مرکز داوری اتاق ایران در جهت رفع نقص تصریح دارد.^{۷۸} از این رو، در صورتی که شرط داوری مندرج در قرارداد به مرکز داوری اتاق ایران یا قواعد این مرکز ارجاع دهد، خلاء و ابهام قابل رفع است. رویه قضایی دادگاه‌ها در بسیاری از کشورها، این شروط را معمولاً در زمره شروط داوری ناقص قابل ترمیم (Imperfect) در نظر می‌گیرند.^{۷۹}

گروه‌های ششم، هفتم و نهم، شروطی هستند که برای تفسیر و احراز اعتبار یا عدم اعتبار آنها در هر سه گروه، ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد: آیا ارجاع به قواعد یک سازمان داوری مانند قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران یا قواعد داوری ICC به منزله ارجاع به سازمان داوری مربوطه است و برای آن سازمان ایجاد صلاحیت می‌نماید؟

۷۶ بند ۲ ماده ۳ قواعد داوری و ماده ۷ آیین‌نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق ایران.

۷۷ *Pricol Ltd v. Johnson Controls Enters Ltd* No.30, 2014.

۷۸ مواد ۱۳ و ۱۶ قواعد داوری در خصوص تعداد داور و مواد ۲۹ و ۳۱ به ترتیب در خصوص مقر داوری و قانون حاکم.

۷۹ *KVC Rice Intertrade Co. Ltd v. Asian Mineral Resources Ple Ltd and Another Suit* [2017] SGHC 32.

همانطور که در قسمت اول این مقاله توضیح داده شد، رویه قضایی غالب در کشورها، قواعد داوری ICC و قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهند. از این رو، اعتبار شروط گروه ششم در خصوص داوری سازمانی قابل احراز است. حال پرسش دیگر که در رابطه با گروه‌های هشتم و نهم مطرح می‌گردد این است که در صورت ارجاع اختلاف به مرکز داوری اتاق ایران تحت قواعد داوری ICC یا ارجاع به مرکز داوری ICC تحت قواعد مرکز داوری اتاق ایران یا ارجاع هم‌زمان به دو قواعد داوری ICC و قواعد مرکز داوری اتاق ایران بدون ارجاع به سازمان داوری، آیا این شروط در حیطه شروط معیوب قابل ترمیم قرار می‌گیرند یا اساساً باطل می‌باشند؟ از آنجا که ارجاع به قواعد هر یک از این دو سازمان برای آن سازمان ایجاد صلاحیت می‌کند، پاسخ به سؤال فوق به نوعی اعتبار یا عدم اعتبار شروط داوری گروه پنجم را نیز مشخص می‌نماید.

به نظر نویسندگان این مقاله، با احراز صلاحیت دو سازمان داوری از طریق انتخاب یک سازمان و قواعد سازمان دیگر یا از طریق انتخاب دو قواعد سازمان داوری یا انتخاب دو سازمان داوری در یک شرط داوری، این شرط باعث عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری نمی‌گردد و دو گزینه قابل ارائه است. گزینه اول، متقاضی داوری می‌تواند یکی از سازمان‌های داوری را انتخاب و با ثبت درخواست داوری در آن سازمان، سازمان دیگر بر اساس اصل *expressio unius est exclusio alterius* صلاحیت نخواهد داشت.^{۸۰} بنابراین، در صورتی که شرط داوری مقرر دارد در صورت بروز اختلاف، طرفین، اختلاف خود را به مرکز داوری اتاق ایران یا مرکز منطقه‌ای داوری (TRAC) ارجاع می‌دهند، خواهان داوری می‌تواند یکی از این سازمان‌های داوری را انتخاب نماید.^{۸۱} گزینه دوم، در صورتی که شرط داوری به یک سازمان داوری تحت قواعد داوری سازمان داوری دیگر

۸۰ انتخاب یک مرجع به معنای عدم انتخاب مراجع دیگر است.

۸۱ مرکز داوری اتاق ایران و مرکز داوری اتاق بازرگانی استانبول در تفاهم‌نامه خود در سال ۱۴۰۳ از این شرط نمونه استفاده کرده‌اند. دیوان عالی چین در سال ۱۳۹۶ در پرونده *Qilu Pharmaceutical Factory v. United States Antai International Trade Company* شرط داوری که به سازمان‌های CIETAC و SCC ارجاع می‌دهد را معتبر و لازم الاجرا دانست.

ارجاع دهد، آن سازمان می‌تواند داوری سازمانی انجام دهد مشروط بر اینکه آن سازمان از حیث ویژگی‌های قواعد و نیز ساختار اداری با سازمان دیگر سازگاری داشته باشد. گزینه دوم در رابطه با مرکز داوری اتاق ایران و مرکز ICC قابل اعمال نیست زیرا هر دو سازمان صریحاً و البته به درستی مقرر می‌دارند که ارجاع به هر یک از سازمان‌ها به منزله توافق طرفین به اعمال قواعد داوری آن سازمان است.^{۸۲}

گروه‌های اول، دوم، سوم و چهارم شامل شروطی می‌گردند، مانند بسیاری از شروطی که در قسمت اول این مقاله در خصوص تفسیر شروط داوری در دادگاه‌های ملی مطرح گردید، که اعتبار آنها محل نزاع بوده و اجرای موافقت‌نامه داوری را در معرض خطر قرار می‌دهد. شروط گروه اول و دوم به سازمان یا مرجعی ارجاع می‌دهند که یا اساساً وجود نداشته و یا اساساً و قانوناً مجاز به داوری یا داوری سازمانی نمی‌باشند.

به نظر نویسندگان این مقاله، شروط گروه اول را باید به دو بخش دیگر تقسیم نماییم. بخش اول که اساساً به "داوری" اشاره نمی‌کنند و بخش دوم که "داوری" را ذکر می‌کنند. علت این تقسیم‌بندی، تفسیر اراده طرفین با توجه به قواعد عمومی تفسیر قراردادها و رویکرد حمایت‌گرانه از داوری است. شروطی که به سازمان یا مرجعی ارجاع می‌دهند که اساساً وجود نداشته و آن شرط قیدی در مورد داوری ندارد، غیرقابل ترمیم بوده و موجب عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری می‌گردد. این شروط دقیقاً بیانگر وضعیتی است که Eisemann از آن به‌عنوان "Dark Museum of Arbitration" نام می‌برد. بر اساس رویه قضایی کشورها، این شروط فاقد اعتبار هستند.^{۸۳} قواعد تفسیر، سیاست حمایت‌گرانه از داوری و حتی رویکرد حقوق‌دانان برجسته مدافع داوری نمی‌توانند این شروط را، حتی از طریق ارجاع به داوری موردی، قابل ترمیم بدانند. از این رو، شروط گروه اول که به "مجمع قضاات اتاق بازرگانی ایران"، "هیئت حل اختلاف اتاق بازرگانی"، "دادگاه حل اختلاف اتاق بازرگانی ایران"، "اتاق بازرگانی بین‌المللی ایران" و "کمیته

۸۲ ماده ۳ قواعد مرکز داوری اتاق ایران و بند ۲ ماده ۱ قواعد داوری ICC.

۸۳ رجوع کنید به شماره ۱۰۱.

ایرانی اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران"، اشاره می‌کند، بر اساس ماده ۲ کنوانسیون نیویورک قابل اجرا نمی‌باشند.

بخش دوم گروه اول که به "داوری" اشاره می‌کند خود می‌تواند به سه شاخه دیگر تقسیم گردد: شروطی که لغت "داوری" بخشی از عنوان سازمانی است که اساساً وجود نداشته، شروطی که "داوری" به عنوان روش حل و فصل اختلاف مورد توافق طرفین بوده است (و نه بخشی از عنوان سازمان داوری) و شروطی که احتمالاً بتوان با تفسیر موسع، مورد به مورد، اعتبار یا عدم اعتبار آنها مورد بررسی قرار گیرد.

در مورد شاخه اول به نظر ما، عنصر اساسی توافق طرفین سازمان داوری بوده که اساساً وجود نداشته و مانند پرونده *Sulu* در دادگاه فرانسه موجب بی اعتباری شرط داوری می‌گردد،^{۸۴} مگر آنکه از مابقی محتوای شرط داوری امکان تفسیر در جهت ارجاع به داوری موردی (نه داوری سازمانی) وجود داشته باشد و عنصر اشتباه بر اساس *lex contractus* یا *lex fori arbitri* موجب ابطال شرط داوری و عدم امکان اجرای آن بر اساس ماده ۲ کنوانسیون نیویورک نگردد. شروطی که به "دیوان داوری اتاق بازرگانی ایران"، "اتاق داوری بین‌المللی ایران"، "اتاق داوری ایران"، "اتاق داوری بازرگانی"، "سازمان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی ایران"، "مرکز داوری کمیته ایرانی اتاق بازرگانی صنایع و معادن ایران" و "مرکز داوری" ارجاع می‌دهند از زمره این شروط هستند.

شاخه دوم، شروطی است که با تفسیر آن امکان احراز اعتبار داوری به عنوان روشی که طرفین برای حل و فصل اختلافات خود انتخاب کرده‌اند، وجود دارد. به عبارت دیگر، علی‌رغم اینکه امکان داوری سازمانی به علت عدم وجود سازمان یا مرجع مورد توافق در این موارد وجود ندارد، برخی از دادگاه‌ها در برخی کشورها عنصر اساسی توافق طرفین را انتخاب سازمان داوری نمی‌دانند بلکه داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف را

84 *Heirs to the Sultanate of Sulu v. Malaysia*, Cour de Cassation, First Civil Chamber, 6 November 2024 *Control Screening LLC v. Tech. Application & Prod. Co* (3d Cir. 2012).

هدف غالب در نظر گرفته‌اند.^{۸۵} از این رو، با نادیده گرفتن ارجاع به سازمان داوری ناموجود، می‌توان با توجه به قانون مقر، داوری موردی را لحاظ کرد و دادگاه مقرر اقدام به نصب داور نماید. شروطی که به "هیئت داوری اتاق بازرگانی"، "کمیته داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران" و "گروه داوری اتاق بازرگانی" ارجاع می‌نمایند، از زمره این شروط هستند.

شاخه سوم، شامل شروط داوری است که امکان احراز اعتبار آنها و به نظر ما، احراز صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران وجود دارد. شروطی که به اداره حکمیت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران یا مرکز حکمیت اتاق بازرگانی ایران ارجاع می‌دهد، می‌تواند برای مرکز داوری اتاق ایران ایجاد صلاحیت نماید. علی‌رغم اینکه در این شروط ارجاع به "داوری" مشاهده نمی‌گردد و حکمیت مفهومی متفاوت از داوری دارد، ماده ۵ قانون اتاق ایران حکمیت در مورد مسائل بازرگانی را به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع می‌دهد. به عبارت دیگر، اعتبار این شروط الزاماً با استناد به قواعد تفسیر و قصد مشترک طرفین، قابل احراز نیست بلکه صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران بر اساس حکم قانون است. شاخه سوم گروه اول، همچنین شامل شروطی می‌گردد که با استناد به قواعد تفسیر امکان احراز اعتبار آنها وجود دارد. با تفسیر موسع شروطی که به "نهاد داوری اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران"، "قسمت داوری اتاق بازرگانی"، "کانون داوری ایران مستقر در اتاق بازرگانی"،^{۸۶} "اتاق داوری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران"، "اتاق داوری اتاق بازرگانی" و "اتاق داوری اتاق بازرگانی ایران" ارجاع می‌دهند، امکان اعتبار داوری حداقل به عنوان روش حلّ و فصل اختلاف مورد توافق طرفین و به نظر ما، امکان احراز صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران وجود دارد.^{۸۷}

85 *Warnes S.A. v. Harvic Int'l, Ltd*, 1993 WL 228028.

^{۸۶} تفسیر موسع "قسمت"، "کانون"، "نهاد"، می‌تواند به منزله ارجاع به مرکز داوری اتاق بازرگانی باشد و عبارت عام اتاق بازرگانی ارجاع به اتاق بازرگانی ایران است.

^{۸۷} مرجعی تحت عنوان "اتاق داوری ایران" اساساً وجود ندارد. این عبارت مشخص نمی‌کند که منظور اتاق بازرگانی یا اتاق تعاون یا سازمان دیگری در ایران است. از این رو، به نظر نویسندگان این مقاله عبارت "اتاق داوری ایران" در شاخه اول از بخش دوم گروه اول قرار می‌گیرد.

گروه دوم از میان ده گروه مطرح شده، شامل شروطی می‌شود که به سازمان یا مرجعی ارجاع می‌دهند که وجود دارند اما اساساً و قانوناً امکان انجام داوری سازمانی را ندارند. به نظر ما، این شروط در حکم شروط بخش اول گروه اول می‌باشند، بدین معنا که ارجاع به این سازمان‌ها به منزله ارجاع به سازمانی است که اساساً وجود نداشته است. بنابراین در صورتی که، محتوای شرط مربوطه بیانگر قصد طرفین در انتخاب "داوری" به عنوان روش حلّ و فصل اختلاف و عنصر اساسی توافق طرفین نباشد، این شرط باطل و بر اساس ماده ۲ کنوانسیون نیویورک قابل اجرا نیست. بنابراین، ارجاع به "کمیته ایرانی اتاق بازرگانی بین‌المللی"، "اتاق‌های مشترک بازرگانی ایران و ..." و "دایره حقوقی اتاق ایران" در زمره این شروط قرار می‌گیرد. آرای بسیاری از دادگاه‌ها مؤید این رویکرد و تفسیر است.^{۸۸}

گروه سوم، شامل شروطی است که اعتبار آنها به علت ارجاع به قواعدی که وجود نداشته محلّ اختلاف است. همانطور که بررسی گردید، برخی از دادگاه‌ها اساساً این شروط را باطل دانسته،^{۸۹} برخی دیگر، داوری موردی بر طبق *lex arbitri* و یا قواعد آنستیرال را تجویز کرده‌اند.^{۹۰} در صورتی که طرفین قرارداد، صرفاً به قواعد ناموجود بدون انتخاب سازمان داوری ارجاع داده باشند و طرفین آن قواعد را هدف غالب و عنصر اساسی توافق خود در نظر گرفته باشند، آن شرط بر اساس قانون حاکم بر موافقت‌نامه داوری، *lex contractus* یا *lex fori arbitri*، باطل و طبق ماده ۲ کنوانسیون نیویورک غیر قابل اجرا است. از طرف دیگر، چنانچه اراده طرفین ارجاع به داوری به عنوان هدف غالب و مؤثر باشد، برخی از دادگاه‌ها ذکر قواعد ناموجود را به منزله عدم ارجاع به این قواعد لحاظ کرده و به داوری موردی با نصب داور توسط دادگاه رأی داده‌اند.^{۹۱} از این رو، با ملاک قراردادن رویه قضایی در بسیاری از کشورها و همچنین کنوانسیون نیویورک، ارجاع به "مقررات اتاق ایران"، یا "مقررات اتاق تهران" که اساساً چنین مقرراتی وجود

^{۸۸} رجوع کنید به ۱.۱

⁸⁹ *Corn Products Ltd v. Ayaz Ghadiya* 1997 A.I.R (Indian Court).

⁹⁰ *Travel port Global Distribution Systems BV v. Bellview Airlines Ltd*, 2012 WL 3925856.

⁹¹ *Lucky-Goldstar International v. Ng Moo Ke Engineering* [1993] 1 H.K.C.

نداشته و اشاره‌ای به داوری نیز نمی‌نماید، فاقد اعتبار و باطل است. ارجاع به قواعد داوری اتاق تهران یا اتاق کرمان یا به‌طور کلی هر اتاق شهرستان نیز ایجاد صلاحیت برای داوری سازمانی نمی‌نماید. تفسیر دادگاه‌ها حتی در کشورهای مدافع داوری و حتی تفسیر حقوق دانان طرفدار توسعه داوری، احراز صلاحیت برای "داوری سازمانی" در چنین مواردی نیست. محل اختلاف امکان یا عدم امکان داوری سازمانی نیست، بلکه نزاع در خصوص صلاحیت برای "داوری موردی" و دادگاه است. بر اساس ماده ۳ قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران، صرفاً ارجاع به "قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران" برای مرکز داوری اتاق ایران ایجاد صلاحیت می‌کند. از این رو، به نظر ما، ارجاع به "قوانین داوری اتاق ایران" و "مقررات سازش و داوری اتاق ایران" برای مرکز داوری اتاق ایران ایجاد صلاحیت نمی‌نماید و زمانی که مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت رسیدگی نداشته باشد به طریق اولی، دفاتر این مرکز در کلیه اتاق‌های بازرگانی کشور نمی‌توانند داوری سازمانی انجام دهند.

گروه چهارم، به شروطی اختصاص دارد که هم‌زمان به دادگاه و داوری اشاره می‌کند. همانطور که در قسمت اول این مقاله بررسی گردید، دادگاه‌ها رویه واحد و یکسانی در تفسیر این شروط ندارند. در مواردی که داوری یا دادگاه به‌عنوان مرجعی انحصاری و دیگری اختیاری در شرط حلّ و فصل اختلاف درج شده باشد، این شروط معیوب قابل ترمیم است. به‌عنوان مثال، بر اساس رویه قضایی غالب در بسیاری از کشورها، در صورتی که شرط حلّ و فصل اختلافات به دادگاه سنگاپور یا دادگاه دیگری با استفاده از عبارت "غیرقابل برگشت"^{۹۲} ارجاع دهد و هم‌زمان به هر یک از طرفین اختیار ارجاع اختلاف خود را به مرکز داوری اتاق ایران دهد، دادگاه نسبت به داوری اولویت خواهد داشت. اما چنانچه ارجاع به هر دو مرجع داوری و قضایی هم‌زمان الزامی باشد، آیا شرط حلّ و فصل اختلاف دارای اعتبار است و در صورت پاسخ مثبت، کدام مرجع اولویت دارد؟ این سؤال در مورد شروط گروه چهارم مرکز داوری اتاق ایران نیز مطرح می‌گردد. به‌عنوان مثال، برخی شروط مانند "ارجاع به داوری با مرجعیت اتاق بازرگانی ایران و امکان شکایت در

92 "Each party hereby irrevocably submits to the jurisdiction of Singapore Courts."

دادگاه تهران^{۹۳} می‌توانند مشمول تفسیرهای متفاوت گردد: برخی دادگاه‌ها به‌ویژه در نظام کامن‌لا با ملاک قرار دادن اماره و رویکرد مطرح شده در پرونده *Fiona Trust*، داوری را ارجح دانسته و برای دادگاه صرفاً نقش نظارتی قائل می‌گردند.^{۹۴} برخی دادگاه‌های دیگر، داوری را مرجع صالح برای رسیدگی ماهوی دانسته و برای دادگاه نقشی فراتر از نقش نظارتی در نظر گرفته‌اند.^{۹۵} به نظر نویسندگان این مقاله، زمانی که قلمرو صلاحیت دادگاه و داوری نسبت به موضوعاتی که باید رسیدگی نمایند، مشخص و تفکیک گردد، اماره *Fiona Trust* دیگر قابل اعمال نیست و دادگاه و داوری می‌توانند صلاحیت رسیدگی به موضوعات تحت قلمرو خود را داشته باشند. از طرف دیگر چنانچه مانند شرط فوق قلمرو صلاحیت موضوعی میان داوری و دادگاه تفکیک نشده باشد، خواهان می‌تواند یک مرجع را انتخاب نماید و با انتخاب یک مرجع، مرجع دیگر صلاحیت نخواهد داشت.^{۹۵} در صورتی که شرط، چند مرحله‌ای و به مرجع داوری اولویت زمانی داده باشد، مرجع داوری ارجحیت خواهد داشت.

۲-۲-۳- بررسی و تفسیر شروط دفاتر مرکز داوری اتاق ایران

به‌طور کلی (نه احصاء شده) شروط داوری در دفاتر مرکز داوری اتاق ایران را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. گروه اول شروطی است که طرفین قرارداد، نگارش درست و عین عبارت دستورالعمل دفاتر سال ۱۳۹۶ و ۱۴۰۳ را درج می‌نمایند (دفتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق {نام اتاق بازرگانی مربوطه}، گروه دوم، شروطی است که به اتاق بازرگانی شهرستان ارجاع می‌دهد و گروه سوم، شروطی است که از عبارت مرکز داوری اتاق {نام یکی از اتاق‌های بازرگانی کشور} استفاده می‌نماید.

علی‌رغم اینکه گروه دوم به مرکز داوری اتاق ایران یا اتاق ایران و یا حتی داوری اشاره نمی‌کند و اعتبار آن بر اساس قصد مشترک طرفین قابل احراز نیست، ماده ۳ قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران، صریحاً ارجاع به اتاق‌های بازرگانی شهرستان را به منزله ارجاع به

93 *Fiona Trust & Holding Corp v. Privalov* [2007] UKHL 40.

94 *Ace Capital v. CMS Energy* [2008] EWHC 1843.

95 *expressio unius est exclusio alterius*.

مرکز داوری اتاق ایران می‌داند و این مرکز صلاحیت دارد و نه اتاق بازرگانی شهرستان. اتاق‌های بازرگانی کشور، سازمان داوری نیستند و دفاتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق‌های بازرگانی دارای شخصیت حقوقی مستقل نبوده و متعلق به مرکز داوری اتاق ایران هستند و نه متعلق به اتاق بازرگانی شهرستان.^{۹۶} بنابراین، سؤالی که باید به آن پاسخ داد این است که در صورتی که شرط حلّ و فصل اختلاف به اتاق بازرگانی شهرستان ارجاع دهد، آیا اختلاف می‌تواند در دفتر مرکز داوری اتاق ایران مستقر در اتاق شهرستان مربوطه رسیدگی گردد؟ در پاسخ ابتدا باید ذکر کرد، بحث و مفهوم صلاحیت صرفاً در مورد مرکز داوری اتاق ایران موضوعیت دارد و نه دفاتر. به عبارت دیگر، مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت عام دارد، صرف‌نظر از اینکه داوری در دفتر این مرکز انجام گردد یا نگیرد. در صورتی که مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت نداشته باشد، به طریق اولی و بر اساس دستورالعمل قوه قضائیه، دفاتر مرکز داوری اتاق ایران مجاز به داوری سازمانی نمی‌باشند. بنابراین، به عنوان مثال، چنانچه شرط داوری به اتاق بازرگانی تهران یا کرمان یا تبریز و یا هر اتاق بازرگانی شهرستان ارجاع دهد، مرکز داوری اتاق ایران صلاحیت انجام داوری سازمانی دارد.

گروه سوم، چالش برانگیزترین شروط دفاتر در یک دهه اخیر بوده است که دقیقاً از مصادیق شروط Pathological است که Eisemann، ۵۵ سال پیش از آن به عنوان Dark Museum of Arbitration نام برد و امروزه هنوز این نقطه تاریک داوری گریبان گیر مرکز داوری اتاق ایران است. شروط گروه سوم دفاتر با دو مشکل اساسی مواجه است. اول، این شروط به "مرکز داوری اتاق ایران" به عنوان تنها مرکز داوری در اتاق‌های بازرگانی که می‌تواند بر اساس قانون اساسنامه و تصریح ماده ۶ دستورالعمل قوه قضائیه داوری سازمانی انجام دهد، اشاره نمی‌کند. دوم، استفاده از نام "مرکز داوری اتاق ایران" یکی از اتاق‌های بازرگانی کشور^{۹۷} برای دفاتر نیز خلاف نص ماده ۱ قانون اساسنامه، ماده ۲ آیین نامه تشکیلات مرکز مصوب هیئت نمایندگان و ماده ۶ دستورالعمل قوه قضائیه

۹۶ بر اساس تصریح آیین نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق ایران و نیز طبق ماده ۶ دستورالعمل قوه قضائیه در خصوص شرایط تشکیل نهاد داوری، دفاتر، مرکز داوری نیستند.

است. براساس رویه داورى، آرای دادگاه‌ها در بسیاری از کشورها و نظر نویسندگان حقوقی، این شروط می‌توانند مشمول دو تفسیر قرار بگیرند. یک تفسیر اساساً این شروط را در حکم شروط بخش اول گروه اول شروط مرکز داورى اتاق ایران می‌دانند، بدین معنا که اساساً مرکز داورى منتخب طرفین وجود حقوقی ندارد و شرط فاقد اعتبار است. تفسیر دیگر، می‌تواند ارجاع به “داورى موردی” بر اساس قانون مقرر باشد. بنابراین، در صورت وجود چنین شروطی، دفتر نمی‌تواند داورى سازمانی انجام دهد.^{۹۷}

۲-۲-۴- علل پیدایش شروط داورى معیوب

همانطور که بررسی گردید، شروط داورى معیوب می‌تواند موجب بی اعتباری موافقت‌نامه داورى و یا مشمول تفسیرهای متفاوت و متعارض شود. علی‌رغم وجود شرط نمونه در داورى سازمانی، وجود شروط داورى معیوب قابل ترمیم و غیرقابل ترمیم در اختلافات ارجاع شده به کلیه سازمان‌های داورى از جمله مرکز داورى اتاق ایران مشاهده می‌گردد. درج شروط معیوب می‌تواند ناشی از عوامل متفاوتی باشد. عدم آگاهی لازم و کافی طرفین قرارداد و یا مشاوران حقوقی از حوزه داورى و داورى سازمانی، عدم اعتماد به نهاد داورى، عدم آشنایی به ساختار و مقررات سازمان داورى مربوطه، عدم رشد فرهنگ داورى، عدم تنظیم و ارائه شرط نمونه شفاف و مطابق با مقررات از سوی سازمان داورى، از جمله عوامل اصلی در تنظیم و درج شروط معیوب در قراردادها است.

بخش عمده گروه‌های نام برده شده شامل گروه‌های اول (ارجاع اختلاف به مراجعی که وجود خارجی ندارند)، دوم (ارجاع به مراجعی که اساساً سازمان داورى نیستند)، سوم (ارجاع اختلاف به قواعد داورى که اساساً وجود نداشته یا ماهیتاً مقررات داورى نمی‌باشد)، هشتم (ارجاع اختلاف به مرکز داورى اتاق ایران یا اتاق ایران با رعایت قواعد

^{۹۷} در پرونده *HKL Group*، دادگاه بیان داشت که در صورت وجود چنین شروط داورى، مبنایی برای داورى سازمانی وجود ندارد.

HKL Group Co. Ltd v. Rizq Int'l Holding Pte. Ltd, [2013] SGHCR 5; *HKL Group Co. v. Rizq International Holding Pte. Ltd* [2013] SGHCR 8.
See also, S. Laurence, D. Benedetti, V & de Nitto Personè, Mario. ‘A Pathology (Yet) to Be Cured?’. *Journal of International Arbitration* 39, 3 (2022): 365–378.

سایر سازمان‌های داوری)، نهم (ارجاع اختلاف به دو قواعد) و دهم (نقص در سایر اجزای شروط داوری همچون ابهام در تعداد داور، مقر داوری یا قانون حاکم)، جملگی ناشی از عدم آگاهی تنظیم‌کنندگان این قسم از شروط (اعم از فعالان اقتصادی، وکلا و یا مشاوران حقوقی) به حوزه داوری و عدم اطلاع از نتیجه نامطلوب آن است. این شروط عمدتاً منجر به ابهام برای طرفین اختلاف، تأخیر در حلّ و فصل اختلافات و یا تشدید آن، اتلاف زمان و منابع مالی، ابطال رأی داور و نهایتاً نارضایتی از داوری و ایجاد عدم اعتماد نسبت به این ساز و کار حلّ و فصل اختلاف خواهد شد.

به نظر می‌رسد دلیل اصلی حدوث و پیدایش شروط معیوب گروه چهارم (ارجاع هم‌زمان به داوری و دادگاه) حس بی‌اعتمادی تنظیم‌کنندگان شروط داوری به ساز و کار داوری سازمانی، اتلاف وقت در داوری و اعمال احتیاط است. این موضوع به نظر می‌تواند از عدم شناخت کافی نسبت به سازمان داوری مربوطه و یا یک تجربه ناموفق و منفی در داوری قبلی سازمان و یا حتی یک داوری موردی و یا رویارویی با مشکلات احتمالی اجرای رأی در دادگاه‌ها نشئت گیرد. همچنین، نگرانی طرفین از یک مرحله‌ای بودن فرایند داوری و قطعیت و نهایی بودن رأی داوری، می‌تواند باعث گردد که تنظیم‌کنندگان شروط حلّ و فصل اختلاف، دادگاه را مرجع بعدی رسیدگی به اختلافات، البته بعد از مرحله داوری، تعیین نمایند.

دلایلی که در خصوص پیدایش گروه پنجم از شروط معیوب (ارجاع هم‌زمان به دو سازمان) به ذهن متصور می‌گردد، عبارتند از عدم قدرت تصمیم‌گیری طرفین در مرجع دانستن یک مرجع، خطر احتمالی ناشی از انحلال یک سازمان داوری و یا عدم قدرت چانه‌زنی هر یک از طرفین در متقاعد کردن طرف مقابل به تعیین سازمان دلخواه و مورد اعتماد خود.

در خصوص شروط معیوب دفاتر مرکز داوری اتاق ایران، دلایل اصلی پیدایش این شروط معیوب به عوامل متعددی ارتباط پیدا می‌کند که مهم‌ترین آن عبارتند از: عدم آگاهی تنظیم‌کنندگان شرط داوری از حوزه داوری، عدم آگاهی از ساختار مرکز داوری اتاق ایران، عدم آگاهی فعالان اقتصادی و بسیاری از حقوق‌دانان از ماهیت و عملکرد

دفاتر، به‌ویژه از این حیث که دفاتر، مرکز داوری اتاق استان یا شهرستان نیستند بلکه دفتر مرکز داوری اتاق ایران هستند، و نیز تنظیم و نگارش شروط داوری نمونه اشتباه از سوی برخی از دفاتر^{۹۸}.

۲-۲-۵- پیشنهادات

وجود شروط داوری معیوب در قراردادها یکی از مشکلات اساسی در حوزه داوری است که می‌تواند موجب ابطال آرای داوری در دادگاه‌ها و یا مانع از اجرای آنها گردد. بازیگران در دنیای داوری هر یک باید نقش خود را در جهت رفع این مشکل یا کاهش تبعات منفی آن ایفا نمایند. دانشگاهیان با آموزش و نوشتار و آثار علمی خود باید سطح دانش و آگاهی را ارتقاء دهند. وکلا و به‌طور کلی حقوق دانان باید با رعایت اصول اخلاقی و آگاهی از اصول و قواعد داوری، راهنمای مؤثری برای موکلین خود باشند. فعالان اقتصادی نیز باید در تنظیم قراردادها از حقوق دانان متخصص و مجرب در زمینه داوری استفاده نمایند.

از زمان پیدایش داوری سازمانی در حوزه اختلافات تجاری، که نقطه آغاز آن به دوران پیش از تأسیس مرکز ICC برمی‌گردد،^{۹۹} و نیز در عصر سازمانی شدن داوری در طی سال‌های ۱۹۵۰-۱۹۲۰، سازمان‌های داوری از بازیگران اصلی در توسعه داوری بودند. یکی از دغدغه‌های اصلی این سازمان‌ها شروط داوری معیوب است. مرکز داوری اتاق ایران نیز با مصادیق گوناگون از این شروط مواجه شده است که نویسندگان این مقاله

۹۸ به‌طور مثال شرط نمونه دفتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق تهران، برخلاف مقررات مرکز و نص صریح دستورالعمل دفاتر سال ۱۳۹۶ و ۱۴۰۳، با عنوان "مرکز داوری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران (مرکز اتاق تهران)" درج گردیده است.

<https://arbitration.tccim.ir/page?pageid=121&title=%D8%B4%D8%B1%D8%B7%20%D8%AF%D8%A7%D9%88%D8%B1%DB%8C> {تاریخ دسترسی و بازدید ۱۴۰۴/۰۵/۱۸}

مثال دیگر شرط نمونه دفتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق کرمان است که در بخش انگلیسی سایت اتاق بازرگانی کرمان نیز عنوان "Arbitration Center of the Kerman Chamber of Commerce" درج شده است، این در حالی است که بخش فارسی سایت از این حیث فاقد ایراد می‌باشد.

<https://en.otagh-bazargani.com/arbitration-center> {تاریخ دسترسی و بازدید ۱۴۰۴/۰۶/۰۵}

99 M. Schinazi, *The Three Ages of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press (2024).

تجربیات و مشاهدات خود از این شروط را در ده تقسیم‌بندی جهت افزایش آگاهی فعالان اقتصادی و حقوق‌دانان ارائه کردند. اکنون سؤال این است: وظایف مرکز داوری اتاق ایران به عنوان بزرگترین مرکز داوری در کشور در این راستا چیست؟

پیشنهاد‌های نویسندگان این مقاله بر پایه دو محور اصلی است: ۱- اجرای صحیح قانون و مقررات مربوطه و اجتناب از تفسیرهای غیرمعارف و مغایر با قانون با توجه مصلحت‌گرایی ۲- حفظ استقلال مرکز داوری.

بر اساس این دو محور، نکات و پیشنهاد‌های ذیل در خصوص وظایف ارکان مرکز داوری اتاق ایران و دیوان داوری مرکز داوری اتاق ایران بسیار مهم و اساسی است:

- هیئت مدیره مرکز به عنوان عالی‌ترین رکن قانون اساسنامه تکلیف قانونی دارد اولاً از تدوین و تصویب هرگونه سندی مغایر با قانون اساسنامه خودداری نماید.^{۱۰۰} ثانیاً، اتاق‌های بازرگانی را مکلف به اجرای مقررات مرکز داوری از جمله استفاده از شرط داوری نمونه مطابق با این مقررات نماید. ثالثاً، مانع از دخالت ارکان اجرایی اتاق ایران و اتاق‌های شهرستان در امور مرکز داوری و دفاتر آن گردد. این دخالت باعث ابهام برای فعالان اقتصادی می‌شود و یکی از دلایلی که در شروط داوری خود نام ارکان اجرایی را ذکر می‌کنند ناشی از این وضعیت و ابهام است.

- دبیرکل مرکز داوری اتاق ایران به عنوان رکن دوم قانون، تکلیف قانونی دارد که دستورات و مصوبات هیئت مدیره را اجرا و بر رعایت دستورالعمل دفاتر از سوی دفاتر

۱۰۰ در زمان اصلاح قواعد داوری در سال ۱۴۰۲ یک عضو دیوان داوری مرکز در کارگروه ۲۶ نفره پیشنهاد داد که در تعریف "مرکز داوری" در قواعد داوری نام "دفاتر" اضافه گردد که این موضوع از سوی دبیرکل وقت و سایر اعضا کارگروه مورد پذیرش قرار نگرفت زیرا اولاً، قواعد داوری، آیین داوری است و موضوعات مربوط به ساختار و ارکان در قواعد آیینی ذکر نمی‌گردد. ثانیاً، نظر به اینکه در قانون اساسنامه، دفاتر ذکر نشده است، ذکر این مورد آن هم در قواعد داوری بر خلاف قانون اساسنامه بوده که می‌تواند آرای مرکز داوری را با خطر جدی مواجه نماید و از این رو باید از آن اجتناب گردد. ثالثاً، بر اساس ماده ۲ آیین نامه تشکیلات مرکز داوری، موضوع دفاتر به دستورالعمل مصوب هیئت مدیره ارجاع داده شده است که هم در دستورالعمل سال ۱۳۹۶ و هم سال ۱۴۰۳، دفتر تعریف شده است. از این رو، ارکان مرکز داوری اتاق ایران باید به تفکیک اسناد ساختاری با اسناد آیینی مربوط به داوری توجه نمایند.

مرکز از جمله استفاده از شرط داوری نمونه مطابق با این دستورالعمل و رعایت سایر مقررات نظارت داشته باشد.

- داوران مرکز داوری اتاق ایران به عنوان رکن سوم قانون اساسنامه، تکلیف قانونی دارند که در قراردادهای آنها و آرای داوری از نام "مرکز داوری اتاق ایران" استفاده کرده و از درج نام سازمانی که اساساً وجود ندارد، اجتناب نمایند. عدم آگاهی از ساختار مرکز داوری اتاق ایران نمی تواند مانع از انجام این تکلیف قانونی باشد.

- دیوان داوری مرکز داوری اتاق ایران، بر اساس آیین نامه تشکیلات مرکز و قواعد داوری که هر دو مورد مصوب هیئت نمایندگان می باشد، مکلف است ضمن آگاهی کامل به ساختار و مقررات مرکز داوری اتاق ایران، در خصوص ایراد به موافقت نامه داوری، تصمیم و تفسیر خود را بر مبنای اصول و نه مصلحت گرایی اتخاذ نماید. نادیده گرفتن شروط داوری معیوب نمی تواند با رویکرد حمایتی از داوری توجیه شود، زیرا این رویکرد به ظاهر حمایتی می تواند پس از ائتلاف هزینه و وقت، منجر به ابطال رأی داوری و نهایتاً به رویکرد عدم حمایت از داوری تبدیل گردد. افزون بر این، دیوان داوری مرکز مکلف است در بررسی آرا نسبت به عدم درج صحیح نام مرکز داوری اتاق ایران و دفاتر آن تذکر دهد و داور مکلف به رعایت این موضوع شکلی است.

نتیجه گیری

دادگاه ها در تفسیر شروط داوری معیوب رویکردهای متفاوت و متعارض ارائه کرده اند. تشتت آرا در میان دادگاه ها، حتی در کشورهای توسعه یافته در حوزه داوری، در خصوص اعتبار یا عدم اعتبار این شروط، به وضوح قابل رویت است. بررسی آرای دادگاه ها نشان می دهد، برخی از دادگاه ها، اراده طرفین را بر مبنای اصول و قواعد کلی قراردادها تفسیر می نمایند و برخی دیگر در مقام تفسیر، اولویت را برای سیاست حمایت گرانه از داوری در نظر می گیرند با این هدف که در صورت عدم وجود سازمان داوری منتخب طرفین و یا اشتباه طرفین در ذکر نام مرجعی که اساساً وجود ندارد یا اساساً سازمان داوری نیست، "داوری موردی" را به عنوان جایگزین "داوری سازمانی" ارائه دهند. رأی دادگاه تجدیدنظر پاریس و تأیید آن از سوی دیوان عالی فرانسه در پرونده *Sulu*، به درستی چنین

تفسیرهای موسع را مردود دانسته است. این پرونده خاطرنشان می‌نماید اولاً، نظر Eisemann همچنان موضوعیت دارد و شروطی تحت عنوان Pathological به تاریخ نپیوسته است. ثانیاً، سیاست حمایت‌گراانه از داوری بدون رعایت اصول و مبنای حقوقی نمی‌تواند، حتی در کشور فرانسه که خود از کشورهای پیشرو در حمایت از داوری است، موجب نادیده گرفتن قصد مشترک طرفین گردد. همچنین، ارجحیت این سیاست بر اصول در مواردی که شرط حلّ و فصل اختلاف هم‌زمان به دادگاه و داوری ارجاع می‌دهد، خلاف قواعد عمومی قراردادها و تضعیف اصل آزادی اراده طرفین است. تحمیل کردن سازمان داوری جانشین در صورت انحلال سازمان داوری منتخب طرفین در زمان بروز اختلاف نیز محلّ انتقاد بوده و خلاف اراده صریح طرفین است و به نوعی بازنویسی شرط داوری توسط دادگاه می‌باشد.

سازمان‌های داوری نیز در اختلافاتی که به آنها ارجاع می‌شود شاهد شروط داوری معیوب بسیاری می‌باشند. در این مقاله، شروط داوری در مرکز داوری اتاق ایران را به ده گروه تقسیم‌بندی کردیم. شروط برخی از گروه‌ها معتبر بوده، برخی معیوب قابل ترمیم و برخی شروط داوری معیوب غیرقابل ترمیم می‌باشند. ارجاع به سازمان یا مرجعی که اساساً وجود ندارد مرسوم ترین گروه شروط داوری معیوب است که می‌تواند منجر به عدم اعتبار موافقت‌نامه داوری گردد. به طور کلی، عدم توجه به شرط داوری نمونه مرکز داوری اتاق ایران، عدم رعایت برخی از مقررات و دستورالعمل‌ها به‌ویژه از سوی برخی از دفاتر مرکز داوری اتاق ایران در اتاق‌های بازرگانی و عدم استفاده از حقوق دانان متخصص و مجرب در تنظیم شرط داوری از عوامل اصلی در پیدایش شروط معیوب در اختلافات ارجاع شده به مرکز داوری اتاق ایران و دفاتر آن می‌باشند.

رویکردهای متفاوت دادگاه‌ها در خصوص شروط داوری معیوب باید به‌عنوان عامل هشدار دهنده باشد که طرفین قرارداد را به دقت در تنظیم شرط داوری و سازمان‌های داوری را نیز به ارائه شرط داوری نمونه شفاف و معتبر سوق دهد. دفاتر مرکز داوری اتاق ایران باید از ارائه شرط داوری نمونه مبهم و در تعارض با مقررات مرکز داوری اجتناب کرده و ارکان مرکز داوری اتاق ایران و دیوان داوری مرکز باید وظایف خود را در این

راستا انجام دهند. توسعه نهاد داوری در هر کشوری نیازمند رعایت کامل اصول داوری و مبانی حقوقی با رویکرد حمایت گرانه از داوری است. در مقام تفسیر موافقت نامه داوری، صرف اولویت دادن به سیاست حمایت گرانه از داوری و نادیده گرفتن اصول نتیجه ای به غیر از عدم توسعه داوری سازمانی، تضعیف نهاد داوری و صدمه زدن به فعال اقتصادی به دنبال نخواهد داشت.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ali Moghaddam

Abrishami

Fereshteh Sheikhvand



<https://orcid.org/0000-0003-3876-3882>



<https://orcid.org/0009-0009-6841-8060>

منابع

- B. G. Davis, Pathological Clauses: Frédéric Eisemann's Still Vital Criteria, *Arbitration International* 7, 4 (1991).
- F. Eisemann, La Clause d' arbitrage pathologique, in *Commercial Arbitration: Essays in Memoriam Eugenio Minoli*, 1974.
- G. Born, "Rethinking Pathological Arbitration Clauses: Validating Imperfect Arbitration Agreements", in S. Tung, F. Fortese, C. Baltag (eds.), *Finances in International Arbitration*, Wolters Kluwer, The Netherlands, 2020.
- J. Plunkett, Principle and Policy in Private Law Reasoning, *The Cambridge Law Journal* 75, 2(2016).
- J. Tseng, Fiona Trust in Context: Interpreting Arbitration Clauses following *Rinehart v. Hancock*. *Arbitration International* 36, 2020, 109-121.

- K. Wagner, French Courts and Arbitration Validity: Simplicity or Legal Uncertainty? *Journal of International Arbitration* 42, 4 (2025)
- M. L. Moses, *Principles and Practice of International Commercial Arbitration*, 3th ed., Cambridge University Press, 2017.
- M. Schinazi, *The Three Ages of International Commercial Arbitration*, Cambridge University Press (2024).
- R. Calnan, *Principles of Contractual Interpretation*, Oxford, Oxford University Press, 2013.
- S. Laurence, D. Benedetti, V & de Nitto Personè, Mario. ‘A Pathology (Yet) to Be Cured?’. *Journal of International Arbitration* 39, 3 (2022), 365–378.

Cases

Australia:

- Hancock Prospecting v. Rinehart [2017] FCAFC 170.
- Rinehart v. Welker [2012] NSWCA 95.
- Robotunits Pty Ltd v. Juergen Karl Mennel, [2015] VSC 268.
- Seeley International Pty Ltd v. Electra Air Conditioning B.V [2008] FCA 29.

China:

- Shanghai Iwasaki Electric Co. Ltd v. Weixin Enterprise Engineering Co. Ltd, Supreme People’s Court (25 May 2004).
- Shenzhen Sinowin Trade & Development Co. Ltd v. Baerlocher Far East Pte Ltd (2005).

Dubai:

-Case No 202 of 2021 (Dubai Court of Cassation).

France:

-Heirs to the Sultanate of Sulu v. Malaysia, Cour de Cassation, First Civil Chamber, November 2024.

Hong Kong:

-H v. G [2022] HKCFI 1327.

-Lucky-Goldstar International (H.K.) Limited v. Ng Moo Kee Engineering Limited [1994] Arb. & Disp. Resol. L.J. 49.

-William Co. v. Chu Kong Agency Co. Ltd [1994].

India:

-Corn Products Ltd v. Ayaz Ghadiya 1997 A.I.R (Indian Court).

-Pricol Ltd v. Johnson Controls Enters, Ltd No.30, 2014, Supreme Court of India.

Nigeria:

-National Material Trading v. M/V Kaptan Cebi.

Russia:

-Qilu Pharmaceutical Factory v. United States Antai International Trade Company.

Singapore:

- HKL Group Co. Ltd v. Rizq Int'l Holding Pte. Ltd, [2013] SGHCR 5.
- HKL Group Co. v. Rizq International Holding Pte. Ltd [2013] SGHCR 8.
- Insignia Technology Co Ltd v. Alstom Technology Ltd [2009].
- KVC Rice Intertrade Co. Ltd v. Asian Mineral Resources Ple Ltd and Another Suit [2017] SGHC 32.
- TMT Co Ltd v. Royal Bank of Scotland, [2017] SGHC 21.
- Tomolugen Holdings Ltd and another v. Silica Investors Ltd and other appeals [2016] 1 SLR 373.

South Korea:

- Seoul High Court Judgment, Case No. 80Na535 (1980).
- Supreme Court Judgment Case No. 2024Da243172, (2025).

Turkey:

- HD., E. 2009/5703, K. 2009/8256 T. 12.05.2014.
- Y9. HD., E.99/3348, K.99/4304, T.21.06.1999.

UK:

- Ace Capital Ltd v. CMS Energy Corp. [2008] EWHC 1843 (Comm).
- Fiona Trust & Holding Corp v. Privalov* [2007] UKHL 40.
- Lobb P'ship Ltd v. Aintree Racecourse Co. Ltd [2000].

- Naviera Amazonica Peruana S.A. v. Compania Internacional de Seguros del Peru, [1988] 1 Lloyd's Rep. 116.
- OOO Abbott v. Design & Display [2017] EWHC.
- Paul Smith Ltd v. H&S International Holding Inc, [1991] 2 Lloyd's Rep. 127 (Q.B.).
- Shell International Petroleum Co. Ltd V .Coral Oil Co. Ltd [1999] 1 Lloyd's Rep. 72 (Q.B.).
- Sulamerica Cia Nacional de Serguros S.A. & others v. Enesa Engenharia S.A. [2012] 1 Lloyd's Rep. 275.

United States of America:

- Brown v. ITT Consumer Financial Corporation, 211 F.3d 1217 (11th Cir. 2000).
- Control Screening LLC v. Tech. Application & Prod. Co, 687 F.3d 163, 166 (3d Cir. 2012).
- Critical Health Systems of North Carolina, Inc. v. North Carolina Department of Health and Human Services 212 F.3d 860 (4th Cir. 2000).
- Dynamic Industries, Incorporated v. Baker Hughes Saudi Arabia Company Limited, 23-30827 5th Cir. 2025 (Court of Appeal).
- Great Earth Cos., Inc. v. Simons, 288 F.3d 878 (6th Cir. 2002).
- Inetianbor v. CashCall, Inc. 768 F.3d 1346 (11th Cir. 2014).
- Kwasny Co. v. Acryliccon Int'l Ltd, No. 09-13357, 2010 WL 2474788.
- PaineWebber, Inc. v. Rutherford, 903 F.2d 106, 108 (2d Cir. 1990).

شروط داوری معیوب: تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی و تفسیر شروط ... | ابریشمی و شیخوند | ۵۱

-Parm v. National Bank of California, N.A., 835 F.3d 1331, 1332 (11th Cir. 2016).

-Travel port Global Distribution System BV v. Bellview Airlines Ltd, 2012 WL 3925856.

-No. C.A. 2:95-3673-23, 1997 WL 915000 (D.S.C. Mar. 13, 1997).

-Warnes S.A. v. Harvic Int'l, Ltd, 1993 WL 228028.

Venezuela:

-LSR C.A. v. Jesus Ramon Rodriguez, Expate. 1181, Venezuela (2016).

Website

<https://arbitration.tccim.ir/page?pageid=121&title=%D8%B4%D8%B1%D8%B7%20%D8%AF%D8%A7%D9%88%D8%B1%DB%8C>

<https://en.otagh-bazargani.com/arbitration-center>

قوانین و مقررات

-Convention on the Recognition and Enforcement of Foreign Arbitral Awards (New York Convention) 1958.

-English Arbitration Act 2025.

-Federal Arbitration Act 1925.

-ICC's Arbitration Rules 2021.

-Singapore International Arbitration Centre (SIAC) Rules 2025.

-UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration 2006.

-UNCITRAL Arbitration Rules 2021.

- آیین نامه تشکیلات مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۳۸۴ و اصلاحات سال ۱۴۰۱.
- دستورالعمل ساماندهی حلّ و فصل اختلافات از طریق داوری و ایجاد و توسعه نهادهای داوری، مصوب ۱۴۰۰/۱۱/۱۲ رئیس قوه قضائیه.
- دستورالعمل نحوه تشکیل، اداره، نظارت و تعلیق دفاتر مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۴۰۳.
- دستورالعمل نحوه تشکیل و اداره دفاتر مرکز داوری اتاق ایران مصوب ۱۳۹۶.
- قانون اساسنامه مرکز داوری اتاق ایران مصوب سال ۱۳۸۰ مجلس شورای اسلامی.
- قواعد داوری مرکز داوری اتاق ایران، مصوب ۱۴۰۲.

استناد به این مقاله: مقدم ابریشمی، علی و شیخوند، فرشته . (۱۴۰۴). شروط داوری معیوب: تحلیل رویکرد دادگاه‌های ملی و تفسیر شروط داوری مرکز داوری اتاق ایران. پژوهش حقوق خصوصی، ۱۴ (۵۳)، ۱-۵۲.

doi: 10.22054/jplr.2025.88084.2956



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

